

جریان های سیاسی بزرگ کشور از افراطی ها فاصله می گیرند

اجماع بر سر میانه روی

گزارش

گروه سیاسی

بیراه نیست اگر گفته شود وجهی از شعار «اصلاح طلب، اصول گرا، دیکه نموده ماجرا» در دو سال گذشته و بخصوص در ماه های که کشور درگیر شرایط جنگی است، به نحوی مصداق پیدا کرده است البته نه به خواست و مراد طراحان و بنیان آن در دی ماه سال ۱۳۹۶. در حقیقت آنچه به نظر می رسد «تمام» شده است نه گفتمان اصلاح طلبی و اصول گرایی، بلکه شیوه رقابت های دو مجموعه سیاسی بزرگ کشور است. این هم البته مؤلفه مهم و قابل تأملی مجموعه را زیاد کرده بود که به بخشی از هویت این دو گفتمان سیاسی تبدیل شده بود. کیفیت رقابت های تند و تیز و ارزیابی های صفر و صدی هر کدام

نسبت به دیگری (یکی خوب و کارآمد و مفید و دیگری غیر کارآمد و مضر) نتایج غیر سازنده و گاه مخرب خود در فضای عمومی و بخصوص رسانه ها را نشان داده بود. در همین چارچوب، در بزنگاه های مهم مثل انتخابات یا تصمیم گیری های کلان و ملی، افکار عمومی شاهد دو قطبی محسوسی بود که تلاش هر طرف بیش از اثبات توانمندی های خود، مصروف نشان دادن ناکارآمدی و ناتوانی و حذف طرف مقابل بود. به تعبیری دیگر دو گفتمان نه رقیب هم که در مقاطعی گویی دشمن یکدیگر بودند. محمد جواد حق شناس، عضو شورای مرکزی حزب اصلاح طلب اعتماد ملی در همین باره در یادداشتی در روزنامه ایران نوشته بود: «دوگانه سازی سیاسی معمولاً از جایی آغاز می شود که مرز میان «رقیب» و «دشمن» از بین می رود. در این شرایط هدف از فعالیت سیاسی دیگر ارائه راه حل برای مسائل کشور نیست، بلکه بی اعتبار کردن طرف مقابل است. فضای گفت وگو جای خود را به فضای تقابل می دهد و سیاست به جای آنکه بستری برای حل مسائل باشد،

به میدان منازعه دائمی تبدیل می شود.» علی ربیعی، سخنگوی دولت وقت هم در ۲۸ فروردین ۱۴۰۰ روزنامه ایران با اشاره به یک دو قطبی مجعول حول مذاکره یا دیپلماسی نوشته بود: «متأسفانه در سالیان اخیر عده ای با برساختن دوگانه و دوقطبی عجیب و در نوع خود تازه، کوشیدند که مقاومت و مذاکره را به دو سر طیفی منتسب کنند که الزاماً یکی، دیگری را نقض می کند. به گمان این افراد، مذاکره مترادف با سرسپردگی و تسلیم در برابر زورگویی و مقاومت راهی قهرمانانه و در نفی مذاکره است که اتفاقاً در میان دو جناح اصلی سیاسی توزیع شده و یکی مشهور به محدود ماندن در مذاکره و دیگری متخصص در مقاومت است. این دوگانه بی معنا که حتی با ابتدایی ترین شواهد در عملکرد دولت و منتقدان آن هم سازگاری ندارد، توان چشمگیری از کشور را در مجادلات بی پایان و بی ثمر گرفت و در تعمیق اختلاف و زایل کردن وحدت هنگامی که بیش از هر زمانی به آن نیاز داشتیم، نقش داشت.» در میانه این کیفیت از رقابت،

قاعداً دست یافتن به تصمیم های اجماعی هم اگر نگوییم غیر ممکن، اما دشوار خواهد بود. خیلی طبیعی است که بدون اجماع هم پذیرش تصمیم ها اجرای آنها همراه با چالش هایی خواهد بود. مضاف برآنکه این دوقطبی های شدید، آفت و آسبایی جدی بر پیکره انسجام ملی نیز خواهد بود. اتخاذ رویکرد وفای ازسوی دولت چهاردهم و تأکیدات برجسته مسعود پزشکیان در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ناظر بر همین وضعیت سیاسی بود و بی سبب نبود که این رویکرد با استقبال بخش زیادی از اصول گرایان (رقیبان انتخاباتی پزشکیان)

هم مواجهه شد. حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، ضرورت استقبال از رویکرد همکاری ملی و تقویت انسجام اجتماعی را تقویت کرد. به گونه ای که در این ایام تقسیم بندی مرسوم اصلاح طلبی- اصول گرایی به نحو چشم گیری رنگ باخت و همه زیر پرچم برای دفاع از تمامیت ارضی ایران گرد هم آمدند. فاصله ها کمتر و کمتر شد، مواضع به همدیگر نزدیک تر شد و فعالان و چهره های شاخص هر دو جناح سیاسی بر پرهیز از مواضع تفرقه برانگیز و دمیدن بر دو گانه سازی های ناموجه تأکید کردند. تصمیم ملی امضای یادداشت قاهره میان ایران و آمریکا مورد حمایت



بخش های زیادی از جناح اصلاح طلب اصول گرا قرار گرفت. حضور محمد باقر قالیباف، چهره شاخص اصول گرا و رقیب سیاسی همیشگی اصلاح طلبان در راس تیم مذاکره کننده، مانع از آن نشد که رقبای سیاسی اصلاح طلب اعلام موضع درباره یک موضوع ملی را به اختلاف سلیاق سیاسی و جناحی کره بزنند. در این روزها به همان میزان که محمدرضا باهنر اصول گرا از سازوکار تصمیم سازی کشور دفاع می کند، اسحاق جهانگیری اصلاح طلب هم در دفاع از جمع بندی های شورای عالی امنیت ملی کوتاهی نمی کند.

به نظر می رسد مجموعه های

بزرگ سیاسی اعم از اصلاح طلبان، اصول گرایان و اعتدالی ها به یک اجماع یا ائتلاف ناوشسته رسیده اند که خبر عمومی و راه حل عبور از مشکلات مبتلا به کشور در میانه روی است. در این میان البته صدای برخی سازهای ناگوک هم شنیده می شود. جریان اقلیتی که با توجه به مواضع و سلوک رفتاری و گفتاری شان، دیگر نمی توان آنان را ذیل گفتمان اصول گرایی جای داد. این جریان سیاسی به واسطه در اختیار داشتن امکانات رسانه ای و بخصوص برخوردار شدن از آنتن صدا و سیما، بسیار بیشتر از وزن و جایگاه اجتماعی خود، نفوذ رسانه ای دارد. به تعبیر دیگر این ساز ناگوک بیش از آنکه متوجه پایگاه اجتماعی آن باشد از صدقه سری آنتن دهی بی وقفه به چنین جریانی است. این اجماع نسبی حاصل شده حول میانه روی حتماً اتفاق مبارکی است و امید می رود که تنها ناشی از شرایط جنگی کشور نباشد و در دوره پساک جنگ هم بازوی تقویت کننده انسجام ملی و سرمایه ای برای ادامه راه باشد.

کلید پیروزی در روزهای دشوار



محمد واعظی
قائم مقام و رئیس دفتر سیاسی حزب اعتدال و توسعه

در روزهایی که ایران عزیز همچنان با پیامدهای جنگ ترکیبی و فشارهای اقتصادی روبه روست، کنش سیاسی و حکمرانی بیش از هر زمان دیگر نیازمند عقلانیت، خوشبینی و پرهیز از افراط گرایی است. تجارب گذشته به روشنی نشان داده است که کشور هیچ گاه در بزنگاه های حساس، با شعارهای تند و هیجان های زودگذر سیاسی، از بحران ها عبور نکرده است، بلکه همواره با اتخاذ تصمیم های سنجیده، مبتنی بر عقلانیت و اعتدال، توانسته است بر بحران ها فائق آید و از آنها عبور کند. برآیند تجارب تاریخی فوق الذکر را امروز می توان در نزدیکی و همگرایی جریان های سیاسی میانه رو و معتدل مشاهده کرد: همگرایی ای که نه از سر همسان دیدگاه ها، بلکه برخاسته از درکی مشترک نسبت به اقتضات کنونی کشور و ضرورت ترجیح منافع ملی بر رقابت های جناحی است. این همگرایی، بیش از آنکه نشانه هم فکری سیاسی باشد، بیانگر

شکل گیری اجماعی منطقی بر سر حفظ ثبات، امنیت و فراهم آوردن زمینه های عبور کشور از شرایط دشوار کنونی است. جریان های میانه رو، با وجود تفاوت در رویکردها و پیشینه های سیاسی، بیش از گذشته بر این واقعیت تأکید دارند که حفظ منافع ملی، بسط امنیت و ثبات کشور و بهبود معیشت مردم، بر هرگونه رقابت جناحی و ملاحظات سیاسی تقدمی ماهوی دارد. از همین منظر، «میانه روی» صرفاً یک اندیشه و جریان سیاسی یا تاکتیکی مقطعی نیست، بلکه در عرصه حکمرانی به مکتبی مبدل شده که بر پایه عقلانیت، واقع بینی و مسئولیت پذیری استوار است و در پرتو دهه ها تجربه مدیریت کلان کشور، به جریانی ریشه دار، مؤثر و متمسک از عقلا و نیروهای معتقد به حفظ و بسط بی قید و شرط منافع ملی منجر شده است. این همان تفکری است که با دوری از شعار، افراط و تفریط و پرهیز از هرگونه هیجان زدگی همواره پشتوانه ای برای افزایش سرمایه اجتماعی، تحکیم انسجام داخلی و ارتقای قدرت کشور در رویارویی با چالش های پیش رو بوده و هست. نشانه های این ضرورت را امروز می توان در نزدیکی و همگرایی جریان های سیاسی معتدل مشاهده کرد. البته تأکید می شود که این همگرایی الزاماً به معنای یکسان

شدن آرا و اندیشه های سیاسی متکثر نیست؛ بلکه بیانگر درک مشترکی است که اعتقاد دارد شرایط دشوار، حراست تمام قدرت از تمامیت ارضی، تأمین امنیت و توسعه معیشت و رفاه اجتماعی بر هرگونه رقابت غیر سازنده جناحی آن هم در ایامی غیر از انتخابات مقدم است. تندروری و یکجانبه گرایی، غالباً زاییده فضای هیجانی است؛ فضایی که در آن هیاهو بر خردورزی غلبه می یابد و صدای بلند، جای استدلال و منطق را می گیرد. حال آنکه تصمیم گیری در سطح ملی، بویژه در بزنگاه هایی چون جنگ یا مذاکره، مستلزم آرامش، محاسبه، آینده نگری و نگاهی راهبردی است. در چنین شرایطی، آنچه می تواند منافع کشور را تضمین کند، نه واکنش های احساسی و موضع گیری های شتاب زده، بلکه اتخاذ تصمیم هایی سنجیده، مبتنی بر عقلانیت و ارزیابی دقیق هزینه و فایده است. یکی از مهم ترین آسیب های تندروری و یکجانبه گرایی آن است که عرصه تصمیم گیری برای مسئولان تنگ و راه های حل مساله محدود می شوند. هنگامی که هر تصمیم، پیش از آنکه مجال بررسی، اجرا و ارزیابی کارشناسانه بیابد، با موجی از حملات سیاسی و رسانه ای روبه رو شود، فضای لازم برای ابتکار، گفت وگو، مذاکره و اتخاذ راه حل های مؤثر

به تدریج از میان می رود. پیامد چنین وضعیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نهایت، فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی است. از این رو، افراط گرایی نه تنها خود را حلی برای مسائل کشور ارائه نمی دهد، بلکه با محدود کردن ظرفیت تصمیم سازی و تصمیم گیری، توان نظام حکمرانی در حل مسائل را نیز به شکل قابل توجهی تضعیف می کند. نمونه های اخیر نشان داده که حتی توافق و قاهره هایی که با هدف کاهش تنش، پایان دادن به جنگ و در راستای تأمین منافع ملی دنبال می شوند، گاه پیش از آنکه فرصت بررسی دقیق و ارزیابی کارشناسانه بیابند، در معرض مخالفت های شتاب زده و واکنش های تند سیاسی از سوی اقلیتی بر هیاهو قرار می گیرند. حال آنکه در مسائل کلان ضرورت دآوری دربارۀ تصمیم، پیش از هر چیز، باید بر پایه سنجش دقیق پیامدها، هزینه ها و دستاوردهای آن صورت گیرد، نه بر مبنای هیجان های مقطعی یا ملاطظات جناحی. پرسشگری و تفحص منطقی، در جامعه و از الزامات پویایی نظام حکمرانی در عصر جدید است، اما میان نقد مسئولانه با تخریب سیاسی و برجسب پذیری، تفاوتی بنیادین وجود دارد.

میانه روی؛ توصیه آموزه های دینی است



محمد صادق جوادی حصار
عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی

در فضای سیاسی و اجتماعی، همواره دو نوع نگاه به مساله تندروری وجود داشته است. اول، وجود داشته و سیاسی که نگاهی مقطعی و احساسی بر اساس شرایط روز شکل می گیرد و دوم، نگاهی راهبردی و مبتنی بر باورهای دینی و اخلاقی. در نگاه اول، گاه اقتضای شرایط، ندی و حمله را ایجاب می کند و گاه عقب نشینی، مدارا یا گفت وگو را. اینها همه

تاکتیک هایی هستند که در عرصه سیاست و مدیریت بحران، بسته به موقعیت، ممکن است ضرورت پیدا کنند. اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، راهبردی است که در بلندمدت رفتار فرد و جامعه را شکل می دهد. راهبردی که باید بر پایه عدالت، اعتدال و اخلاق

استوار باشد. اگر سیاست را صرفاً مجموعه ای از تاکتیک های روزمره بدانیم، ممکن است هر تغییر موضعی را توجیه کنیم ولی اگر سیاست را بر مبنای اصول اخلاقی و دینی تعریف کنیم، دیگر نمی توان از هر وسیله ای برای رسیدن به هدف بهره برد. در این نگاه، حتی در مواجهه با مخالفان و دشمنان نیز باید از مرز عدالت عبور نکرد. امام علی (ع) در نهج البلاغه یکی از مهم ترین اصول سیاست روری اخلاقی را بیان می کنند. اصلی که می تواند راهنمای همه جوامع، بویژه جامعه اسلامی باشد. ایشان می فرمایند:

دوستی، آن چنان افراط نکند که اگر روزی آن دوست به دشمن تبدیل شد، از اسرار و نقاط ضعف شما برای ضربه زدن استفاده کند. در مقابل نیز در دشمنی چنان زیاده روی نکند که اگر روزی شرایط تغییر کرد و به دوستی انجامید، از رفتار گذشته خود شرمسار باشید. این سخن، صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه یک راهبرد پایدار برای اداره جامعه است. سیاست، عرصه تغییر شرایط و جابه جایی موقعیت هاست. کسانی که امروز در برابر یکدیگر قرار دارند، ممکن است فردا در کنار هم قرار گیرند. بنابراین، رفتارهای افراطی نه تنها سرمایه اجتماعی را از بین می برد، بلکه آینده روابط را نیز تخریب می کند. تاریخ اسلام نیز نمونه های روشنی از این رویکرد را پیش روی ما قرار داده است. هنگامی که برخی، هوشمندی و زیرکی معاویه را در عرصه سیاست با اسام علی (ع) مقایسه کردند، حضرت فرمودند: «اگر تقوا نبود، من زیرک ترین عرب بودم.» این نشان می دهد که از نگاه امام، هوشمندی زمانی ارزشمند است که در چارچوب تقوا و عدالت قرار گیرد. زیرکی ای که به فریب، نیرنگ و بی اخلاقی بینجامد، هرچند ممکن است در کوتاه مدت سودمند باشد، اما در نهایت جامع را از مسیر حق دور خواهد کرد. یکی از آسیب های بزرگ تندروری، از میان رفتن بصیرت است. انسان هنگامی که اسیر حب و بغض افراطی می شود، دیگر توان دیدن حقیقت را ندارد.

از سوی دیگر، قرآن امت اسلامی را «امت

فراوان، وزن چندانی ندارد، اما یک شمش طلا، با جرمی اندک، ارزشی به مراتب بیشتر دارد. راه درست مواجهه با افراطی گری، گذشتن از فرهنگ گفت وگو و خوشبختنداری است. به جای حذف مخالف، باید زمینه گفت وگو و منطقی بودن را فراهم کرد. اختلاف نظر، امری طبیعی است، اما تبدیل آن به دشمنی و نفرت، هزینه های سنگینی بر جامعه تحمیل می کند. در کنار فرهنگ گفت وگو، اجرای قانون نیز ضروری انگارناید برای است. آزادی بیان، به معنای آزادی برای تعرض به حقوق دیگران یا به خطر انداختن منافع عمومی نیست. همان گونه که یک روزنامه نگار در برابر مطالب منتشرشده مسئولیت قانونی دارد و در صورت تخلف باید پاسخگو باشد، صاحبان تریبون نیز نباید خود را فراتر از قانون بدانند. عدالت زمانی محقق می شود که قانون برای همه، بدون تبعیض، اجرا شود.

امروز کشور بیش از هر زمان دیگری، به عقلانیت، اعتدال و گفت وگو و مسئولیت نیاز دارد. تندروری، هرچند ممکن است در کوتاه مدت برای برخی گروه ها دستاورد تبلیغاتی ایجاد کند اما در بلندمدت سرمایه اجتماعی را فرسوده، وحدت ملی را تضعیف و مسیر توسعه کشور را دشوارتر می کند. آنچه می تواند ضامن منافع ملی و اقتدار ایران باشد، نه صدای بلند افراط، بلکه منطق، عدالت، قانون و میانه روی است؛ همان راهبردی که آموزه های قرآن کریم و سیره امام علی (ع) پیش روی جامعه اسلامی قرار داده اند.

می دهد. اگر جامعه ای بتواند از طریق میانه روی و تقویت همبستگی داخلی، فضای عمومی را از افراط، بدبینی و دوقطبی سازی دور نگه دارد، بخش مهمی از تهدیدات دشمن عملای اثری می شود. جامعه منسجم، کمتر اسیر شایعه می شود، کمتر به تحریک های تبلیغاتی مستقیم و غیرمستقیم دشمن پاسخ هیجانی می دهد و بهتر می تواند نقد درونی و تخریب بیرونی تمایز قائل شود. میانه روی، پرهیز از افراط گرایی و انسجام ملی، عناصر اصلی تاب آوری اجتماعی محسوب می شوند. جامعه ای که بخواهد در برابر فشارها و تهدیدات بیرونی ایستادی مؤثر داشته باشد، ناگزیر است این مؤلفه ها را در درون خود تقویت کند.



محمدعلی امالی
دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی

توطئه های مشترک آمریکا، رژیم صهیونیستی و مهره های بازی آنها در نظام بین الملل همچنان ادامه دارد. بخشی از این توطئه ها، معطوف به خلق بحران های داخلی در کشورمان و جلوگیری از تحقق انسجام ملی در ایران قدرتمند است. باید توجه داشت که در جهان امروز، تهدیدات بیرونی دیگر فقط در قالب جنگ نظامی یا فشار مستقیم ظاهر نمی شوند. بسیاری از جوامع با مجموعه ای از فشارهای ترکیبی مواجه اند؛ از جنگ روانی و رسانه ای گرفته تا فشار اقتصادی، عملیات ادراکی، تحریک شکاف های اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی. در چنین شرایطی، آنچه یک جامعه را از درون مقاوم و پایدار نگه می دارد، صرفاً ابزارهای سخت نیست، بلکه

سرمایه های نرم و درونی آن جامعه است؛ سرمایه هایی مانند میانه روی، پرهیز از افراط گرایی و انسجام ملی. دلیل تأکید مکرر رهبر انقلاب اسلامی بر مقوله انسجام ملی و وحدت داخلی کاملاً مشخص است. این انسجام، یک ضرورت اجتماعی و راهبردی است. جامعه ای که در آن صداهای تند و ادبیات دشمن پسند (فارغ از اینکه از کدام حزب یا سیاستمدار صادر شود) دست بالا پیدا می کنند، بسترهای شکل گیری انسجام ملی را مخدوش می سازد. در چنین فضایی، تقابل های فرساینده جای نقد متضامنه و مؤثر را می گیرد و شکاف های اجتماعی عمق بیشتری پیدا می کند. این همان نقطه ای است که تهدیدات بیرونی می توانند بر آن سوار شوند.

دشمنان معمولاً زمانی بیشتر در قبال جامعه ما دچار طمع می شوند که کشور از درون دچار طعنه سازی، بی اعتمادی و واگرایی شده باشد. بنابراین باید در برهه حساس و سرنوشت ساز کنونی بیش از پیش صیانت از انسجام ملی و وحدت عمومی را در تقابل با دشمن مورد توجه قرار دهیم. البته پرهیز از افراط گرایی، به معنای انفعال یا چشم پوشی از اصول نیست؛ بلکه به معنای ترجیح عقلانیت بر هیجان، تدبیر بر شتاب زدگی و منافع بلندمدت بر واکنش های لحظه ای است. افراط گرایی معمولاً با ساده سازی مسائل پیچیده همراه است. در این رویکرد، مسائل چندلایه امنیتی، منطقه ای، نظامی، اجتماعی و سیاسی به دوگانه های

تند و مطلق فروگذاشته می شوند. نتیجه آن، کاهش قدرت تحلیل جمعی و افزایش احتمال خطا در تصمیم گیری عمومی است. در نهایت تأکید می شود که انسجام ملی مهم ترین پشتوانه یک جامعه است. انسجام ملی به این معنا نیست که همه یکسان فکر کنند یا اختلافی وجود نداشته باشد؛ بلکه به این معناست که علی رغم تفاوت دیدگاه ها، یک فهم مشترک درباره منافع عمومی، امنیت جمعی و ضرورت حفظ همبستگی وجود داشته باشد. هرچه این احساس تعلق مشترک قوی تر باشد، امکان نفوذ روایت های تفرقه افکنانه و تحریک آمیز کمتر می شود. در واقع، انسجام ملی قدرت جامعه را برای تحمل فشار، اصلاح خطاها و عبور از بحران ها افزایش

سخنگوی دولت:

قیمت بنزین سهمیه‌ای تغییر نمی‌کند

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، با تشریح آخرین تصمیم‌های دولت در حوزه سوخت، از تداوم کاهش سهمیه دوم بنزین، ثبات قیمت بنزین- سهمیه‌ای و اجرای برنامه‌های بهینه‌سازی مصرف سوخت خبر داد و تأکید کرد که هنوز هیچ تصمیم نهایی درباره قیمت بنزین جایگاهی اتخاذ نشده است.

مهاجرانی در نشست خبری با خبرنگاران اظهار کرد: «سهمیه دوم بنزین که پیش از جنگ ۱۰۰ لیتر بود، ابتدا به ۷۰ لیتر و اکنون به ۵۰ لیتر کاهش یافته است. این سهمیه همچنان با نرخ سه هزار تومان عرضه می‌شود و مصرف مازاد بر آن با قیمت کارت جایگاه محاسبه خواهد شد.»

وی با بیان اینکه تاکنون هیچ تصمیم نهایی درباره قیمت بنزین جایگاهی گرفته نشده است، گفت: هرگونه تصمیم در این زمینه پس از نهایی شدن، به‌صورت رسمی اطلاع‌رسانی خواهد شد. به گفته سخنگوی دولت، در بنزین سهمیه‌ای نیز هیچ تغییری در قیمت اعمال نخواهد شد و تنها تغییر اجراشده، کاهش سهمیه دوم از ۷۰ لیتر به ۵۰ لیتر به‌دلیل شرایط پس از جنگ و آسیب‌های واردشده به زیرساخت‌های انرژی انرژی بوده است.

سخنگوی دولت همچنین با اشاره به خسارت‌های واردشده به زیرساخت‌های انرژی در جریان جنگ، اعلام کرد: بخشی از ظرفیت تولید کشور، از جمله در ماهشهر، آسیب دیده است. علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس نیز درباره آخرین تحولات حوزه بنزین گفت: طبق توضیحات رئیس سازمان برنامه و بودجه، افزایش قیمت بنزین منتفی است و سهمیه کارت سوخت جایجا می‌شود. او افزود: روز گذشته جلسه‌ای با آقای پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه داشتیم؛ ایشان درباره بنزین گفت که ۲ راه بیشتر وجود ندارد؛ یا سهمیه بنزین- جایجا شود یا اینکه قیمت افزایش پیدا کند. بنابراین ایستنا، وی با بیان اینکه دولت موضوع (تصمیم‌گیری درباره) بنزین را به آقای پورمحمدی محول کرده است، گفت: طبق توضیحات آقای پورمحمدی افزایش قیمت بنزین منتفی است و جایجایی سهمیه انجام می‌شود.

اطلاع رسانی

رشد مصرف، محدودیت واردات و ظرفیت ثابت پالایشگاه‌ها تصمیم‌گیری را سخت‌تر کرده است

معادله دشوار بنزین

گزارش

هرچند ناترازی بنزین در کشور موضوع تازه‌ای نیست، اما آسیب‌دیدن بخشی از مخازن و تأسیسات پالایشی در جریان جنگ‌های تحمیلی اخیر، حساسیت تأمین سوخت را دوچندان کرده و مدیریت مصرف را به یکی از اولویت‌های دولت تبدیل کرده است.

در چنین شرایطی، بررسی سناریوهای مختلف برای کنترل رشد مصرف و کاهش ناترازی سوخت در دستورکار قرار گرفته و دولت در حال بررسی مجموعه‌ای از سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی است تا بتواند با حفظ پایداری تأمین سوخت، روند رشد مصرف را کنترل کند.

به‌تازگی رئیس‌جمهوری از دستگاه‌های مربوط خواسته است با اتکا به مطالعات کارشناسی، پیشنهادهای خود را برای بهبود وضعیت تأمین و مدیریت مصرف بنزین ارائه کنند. در هفته‌های گذشته، جلسات متعددی میان دستگاه‌های اجرایی، نهادهای تخصصی و کارشناسان برگزار شده و سناریوهای مختلفی برای مدیریت مصرف سوخت مورد بررسی قرار گرفته است. هر یک از این دستگاه‌ها بر اساس مطالعات خود پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند، اما هیچ‌یک از این گزینه‌ها تاکنون نهایی نشده است و تصمیم‌گیری درباره آنها پس از بررسی همه ابعاد اقتصادی و اجتماعی، اجرایی و فنی انجام خواهد شد .

در میان پیشنهادهای مطرح‌شده، گزینه‌های متنوعی دیده می‌شود؛ از اصلاح نرخ بنزین و بازنگری در سهمیه‌بندی گرفته تا اختصاص سهمیه بر مبنای کد ملی، امکان مبادله سهمیه بنزین و استفاده از ابزارهای مختلف برای

مدیریت تقاضا. هر یک از این سناریوها از سوی نهادهای کارشناسی، از منظر گذشته‌نشان می‌دهد، تقاضا برای این فرآورده نفتی تقریباً هر سال افزایش یافته است. میانگین مصرف روزانه بنزین که در سال ۱۳۹۵ حدود ۷۴.۷ میلیون لیتر بود، در سال ۱۳۹۶ به ۸۰.۷ میلیون لیتر رسید و یک سال بعد نیز با ادامه روند صعودی، از مرز ۸۹ میلیون لیتر در روز عبور کرد. این روند در سال ۱۳۹۸ نیز ادامه یافت و میانگین مصرف روزانه به حدود ۸۹.۷ میلیون لیتر رسید.

تنها وقفه در این مسیر، سال ۱۳۹۹ بود؛ زمانی که شیوع ویروس کرونا و محدودشدن سفرها و ترددهای شهری، مصرف بنزین را به حدود ۷۵.۵ میلیون لیتر در روز کاهش داد. با این حال، این کاهش دوام چندانی نداشت و با عادی‌شدن فعالیت‌های اقتصادی و ازسرگیری سفرها، مصرف بار دیگر مسیر افزایشی خود را در پیش گرفت؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۴۰۰ به ۸۷.۳ میلیون لیتر در روز رسید.

از سال ۱۴۰۱ به بعد، رشد مصرف شتاب بیشتری گرفت. میانگین مصرف روزانه در این سال از مرز ۱۰۰ میلیون لیتر عبور کرد و به ۱۰۳.۵ میلیون لیتر رسید. این رقم در سال ۱۴۰۲ به ۱۱۸.۱ میلیون لیتر و در سال ۱۴۰۳ به ۱۲۴.۵ میلیون لیتر در روز افزایش یافت. در نیمه اول سال ۱۴۰۴ نیز میانگین مصرف روزانه به حدود ۱۲۲.۳ میلیون لیتر رسید که بالاترین میزان ثبت‌شده در این بازه زمانی محسوب می‌شود. این روند در سال

۱۴۰۵ نیز ادامه داشته است؛ به طوری که میانگین مصرف روزانه بنزین تا زمان تهیه این گزارش حدود ۱۳۰ میلیون لیتر برآورد می‌شود. با افزایش سفرها و تردهای بین‌شهری، احتمال افزایش مصرف در ماه‌های آینده نیز وجود دارد.

کارشناسان یکی از دلایل اصلی این روند را قیمت پایین بنزین در ایران می‌دانند. ایران طی چهار دهه گذشته همواره یکی از ارزان‌ترین قیمت‌های بنزین در جهان را داشته است و همین موضوع، در کنار یارانه‌های سنگین انرژی، موجب شده مصرف سرانه بنزین در کشور نسبت به بسیاری از کشورهای در حال توسعه بالاتر باشد. کارشناسان نیز با مطالعات علمی در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند عوامل مؤثر بر رشد مصرف بنزین را شناسایی کنند. یکی از این پژوهش‌ها که در سال ۲۰۲۲ منتشر شد، رفتار مصرف‌کنندگان ایرانی را پس از سه مرحله اصلاح قیمت

بنزین در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳ بررسی کرده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد در کوتاه‌مدت، مصرف بنزین نسبت به تغییر قیمت واکنش محدودی دارد، اما با گذشت زمان، خانوارها به‌تدریج خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهند و الگوی مصرف آنها تغییر می‌کند؛ به‌گونه‌ای که حساسیت نسبت به قیمت در بلندمدت بیشتر از کوتاه‌مدت است. این پژوهش به عامل دیگری نیز اشاره می‌کند که در تحلیل مصرف بنزین کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ یعنی قاچاق سوخت. پژوهشگران برای اولین بار این متغیر را وارد مدل تحلیلی خود کردند و به این نتیجه رسیدند که اختلاف قابل‌توجه قیمت بنزین ایران با کشورهای همسایه، انگیزه قاچاقی را افزایش می‌دهد و



در سمت
عرضه،
عملاً امکان
اقدام فوری
وجود ندارد.
پالایشگاه‌های
کشور تقریباً با
حداکثر ظرفیت
در حال فعالیت
هستند و در
حوزه واردات
نیز به دلیل
شرایط فعلی،
محدودیت‌های
جدی وجود
دارد. بنابراین
تنها بخشی که
می‌توان روی
آن متمرکز شد،
مدیریت مصرف
است

بخشی از بنزین عرضه‌شده در کشور، به جای مصرف داخلی، از مرزها خارج می‌شود .

محدودیت واردات بنزین همچنان پابرجاست
در شرایط کنونی، امکان واردات بنزین نسبت به گذشته با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو شده است. تحولات منطقه‌ای، از جمله آسیب دیدن صنعت پالایش روسیه، محدودیت‌های حمل‌ونقل دریایی و شرایط بازار کشورهای همسایه، باعث شده است اتکا به واردات، راهکار مطمئنی برای جبران این فاصله نباشد.

مهدی محسنی در گفت‌وگو با «ایران» درباره وضعیت واردات بنزین گفت: «تداوم محدودیت‌های موجود می‌تواند تأمین سوخت از خارج را با دشواری بیشتری روبه‌رو کند.» وی با استناد به برآوردهای غیررسمی اظهار کرد: «بر اساس آمار غیررسمی، حدود ۷۰ درصد واردات بنزین کشور از مسیرهای جنوبی انجام و حدود ۳۰ درصد نیز از مسیرهای شمالی، از جمله ترکمنستان، تأمین می‌شد.»

این کارشناس انرژی افزود: «اگر واردات روزانه را حدود ۲۰ میلیون لیتر در نظر بگیریم، نزدیک به ۱۵ میلیون لیتر آن از مرزهای جنوبی تأمین می‌شد. با از دست رفتن این مسیرها، جایگزین‌کردن این حجم از واردات کار ساده‌ای نیست.»

به گفته محسنی، «تا زمانی که محدودیت‌ها و شرایط فعلی ادامه

داشته باشد، نباید انتظار داشت مشکل واردات بنزین به‌سرعت برطرف شود و تأمین سوخت از مسیرهای جایگزین نیز با چالش‌های قابل‌توجهی همراه خواهد بود.»

مدیریت تقاضا گزینه پیش روی دولت

با توجه به محدودیت‌های ایجادشده در تأمین بنزین، افزایش ظرفیت تولید با توسعه واردات در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست و دولت باید سیاست‌های مدیریت تقاضا را در اولویت قرار دهد. محسنی درباره گزینه‌های پیش روی دولت برای مدیریت ناترازی بنزین در شرایط کنونی اظهار کرد: «در سمت مصرف وجود خواهد داشت که بخشی از آن باید از طریق واردات با مدیریت تقاضا

او اجرای محدود سیاست‌هایی مانند اصلاح نرخ سوم بنزین یا کاهش سهمیه‌ها را در شرایط کنونی واقع‌بینانه‌تر از افزایش گسترده قیمت بنزین دانست و افزود: «نمی‌توان فقط قیمت بنزین را افزایش داد، اما مردم همچنان مجبور باشند از خودروهای پرمصرف و کم‌کیفیت استفاده کنند. اگر قرار باشد درباره اصلاح قیمت سوخت تصمیم‌گیری شود، باید همزمان زمینه نوسازی ناوگان و تسهیل ورود خودروهای کم‌مصرف فراهم شود.»



فاصله تولید و مصرف ریشه‌دار است

مرتضی بهروزی‌فر، کارشناس انرژی و عضو مؤسسه مطالعات انرژی نیز در گفت‌وگو با «ایران» فاصله میان تولید و مصرف را مسأله‌ای قدیمی دانست که در شرایط اخیر پررنگ‌تر شده است. به گفته او، «ظرفیت تولید بنزین کشور در صورت فعالیت کامل پالایشگاه‌ها حدود ۱۵ تا ۱۲۰ میلیون لیتر در روز است. در حالی که مصرف در روزهای اوج تابستان به حدود ۱۳۰ تا ۱۳۵ میلیون لیتر می‌رسد. بنابراین مدیریت تقاضا را در اولویت قرار دهد. محسنی درباره گزینه‌های پیش روی دولت برای مدیریت ناترازی بنزین در شرایط کنونی اظهار کرد: «در سمت مصرف وجود خواهد داشت که بخشی از آن باید از طریق واردات با مدیریت تقاضا

همدلی

قرارمون یادت نره

#۲۵درجه

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان



در ۴ ماهه ابتدایی سال جاری ۱۱۳ پروانه بهره‌برداری صنعتی در استان قزوین صادر شد

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت قزوین گفت: ۱۱۳ پروانه بهره‌برداری صنعتی در ۴ ماهه ابتدایی سال جاری در استان صادر شده که با سرمایه‌گذاری بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان، زمینه ایجاد اشتغال بیش از ۵ هزار نفر را فراهم کرده است.

لشگری، حمایت از تشکل‌های بخش خصوصی را از دیگر برنامه‌های اداره کل صمت قزوین در سال جاری دانست و تأکید کرد: تقویت نقش بخش خصوصی، تسهیل صادرات و توسعه تعاملات تجاری بین‌المللی از محورهای اصلی برنامه‌های اقتصادی استان خواهد بود. این مسوول خاطرنشان کرد: با توجه به اختیارات دولت به استان‌ها در حوزه دیپلماسی اقتصادی می‌توان در حوزه صادرات و تجارت کالا اقدام‌های مناسبی را رقم زد.

جلسه طرح احیا، فعالسازی و توسعه معادن و صنایع معدنی کوچک مقیاس استان قزوین با حضور کارمران لشگری مدیر کل صمت استان، فرخرد مدیر کل سرمایه‌گذاری استانداری، جرجانی مدیر طرح احیا و بازسازی و دبیر کمیته فعالسازی معادن شورای عالی معادن کشور، نبیثی رئیس سازمان نظام مهندسی معدن و نماینده اتاق بازرگانی استان در محل سالن جلسات شهید حق‌شناس برگزار شد.

دکتر لشگری در این جلسه ضمن قدردانی و تشکر از پیگیری‌ها و توجه استاندار محترم به امر تولید به‌ویژه در حوزه معادن استان افزود: با توجه به پیگیری‌ها و تأکیدات استاندار محترم در جهت ساماندهی و فعالسازی معادن راکد اقدام‌هایی در این چند ماه صورت گرفته که از جمله آنها می‌توان به، خوشمندانازی معادن، احیا، فعالسازی و توسعه معادن و صنایع معدنی کوچک مقیاس، به روز رسانی اطلاعات معادن، بررسی و تعامل بین دستگاهی درخصوص محدوددهای اکتشافی فی‌مابین امیدوز، سازمان صمت و منابع طبیعی، ساماندهی معادن درخصوص کاهش مخلفات معادن از جمله تخریب منابع طبیعی و معارضین محلی صورت گرفته اشاره کرد. در ادامه این جلسه مدیران و نمایندگان دستگاه‌ها نسبت به اجرای این طرح نظرات و پیشنهادات خود را مطرح و مورد بررسی قرار دادند.



در ۴ ماهه ابتدایی سال جاری ۱۱۳ پروانه بهره‌برداری صنعتی در استان قزوین صادر شد

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت قزوین گفت: ۱۱۳ پروانه بهره‌برداری صنعتی در ۴ ماهه ابتدایی سال جاری در استان صادر شده که با سرمایه‌گذاری بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان، زمینه ایجاد اشتغال بیش از ۵ هزار نفر را فراهم کرده است.

دکتر کارمران لشگری بیان داشت: بیشترین تعداد مجوزهای صادر شده مربوط به شهرستان قزوین با ۳۱ پروانه بهره‌برداری صنعتی بوده که برای آن ۱۸۷۳ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته و زمینه اشتغال ۱۳۰۰ نفر را فراهم کرده است. لشگری ادامه داد: شهرستان آبیک با صدور ۲۷ پروانه بهره‌برداری صنعتی و ۸۱۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته، بیشترین سهم سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده و زمینه اشتغال ۱۷۲۵ نفر در این شهرستان ایجاد شده است. مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان قزوین بیان کرد: در شهرستان تاکستان نیز ۹ پروانه بهره‌برداری صنعتی صادر شده که ارزش سرمایه‌گذاری آن ۱۲۵۳ میلیارد تومان بوده و برای ۹۴۳ نفر فرصت شغلی ایجاد شده است.

وی با اشاره به وضعیت سایر شهرستان‌ها افزود: در بوئین زهرا طی این مدت ۱۳ پروانه با سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد تومان صادر شده که موجب اشتغال ۳۲۰ نفر گردید.

لشگری اظهار کرد: همچنین در شهرستان البرز ۳۱ پروانه صنعتی با سرمایه‌گذاری ۳۵۰۰ میلیارد تومان صادر گردیده که موجب اشتغال ۹۸۹ نفر را فراهم نموده است.

به گفته وی، در شهرستان آوج نیز ۲ پروانه با سرمایه‌گذاری ۱۴ میلیارد تومان صادر شده که زمینه اشتغال ۷ نفر را فراهم خواهد کرد. مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان قزوین با بیان اینکه صدور مجوزها نیازمند استمرار روند سرمایه‌گذاری در استان است، تصریح کرد: توزیع متوازن مجوزهای صادر شده در شهرستان‌های مختلف، نشان‌دهنده تلاش برای توسعه متوازن صنعتی، معدنی و تجاری در سراسر استان و استفاده

شرایط عمومی آگهی مزایده

شماره ۶ ۲۰۵۰۱۰۲۴.....



شعبه مستقل مرکزی بانک کشاورزی در تهران، در نظر دارد تعدادی از املاک و مازاد بر نیاز خود را از طریق مزایده عمومی شماره ۲۰۰۵۱۰۲۴۰۰۰۶ یا جزئیات مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی الکترونیکی www.setadiran.ir بفروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و ملاحظه اسناد همه روزه به جزایام تعطیل از ساعت ۸ الی ۱۲، به شعبه مستقل مرکزی بانک کشاورزی به نشانی تهران، خیابان پاتریس لوممبا، نبش خیابان جلال‌الاحمد، ساختمان مرکزی بانک کشاورزی واحد حقوقی شعبه مرکزی مراجعه و با شماره تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۳۳۰۹ تا ۰۲۱-۸۸۳۲۳۱۷ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار مزایده در سامانه ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ باشد.
آخرین مهلت ارسال پیشنهادات ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ باشد.
زمان بازگشایی پیشنهادات ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ باشد.
حضور شرکت کنندگان اختیاری و منوط به هماهنگی قبلی و ارائه کارت شناسایی
معتبر می باشد. لیکن عدم حضور پیشنهاد دهندگان مانع بازگشایی پیشنهادات
مزایده نمی باشد.

شرایط و نحوه شرکت در مزایده:

۱- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرایند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده‌گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.

۲- مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل ۵٪ مبلغ پایه مندرج در آگهی و به صورت پرداخت الکترونیکی (درگاه پرداخت سامانه ستاد)، فیش بانکی و یا ضمانت نامه خواهد بود.

۳. شرکت‌کنندگان پس از دریافت کلیه اسناد مزایده (اقرانامه، شرایط عمومی شرکت در مزایده) از سامانه، ملزم به تکمیل و بارگذاری اسناد مزایده، تصویر شناسنامه و کارت ملی (اشخاص حقیقی)، اساننامه و آخرین آگهی تغییرات شرکت (اشخاص حقوقی) در سامانه (ستاد) می‌باشند.

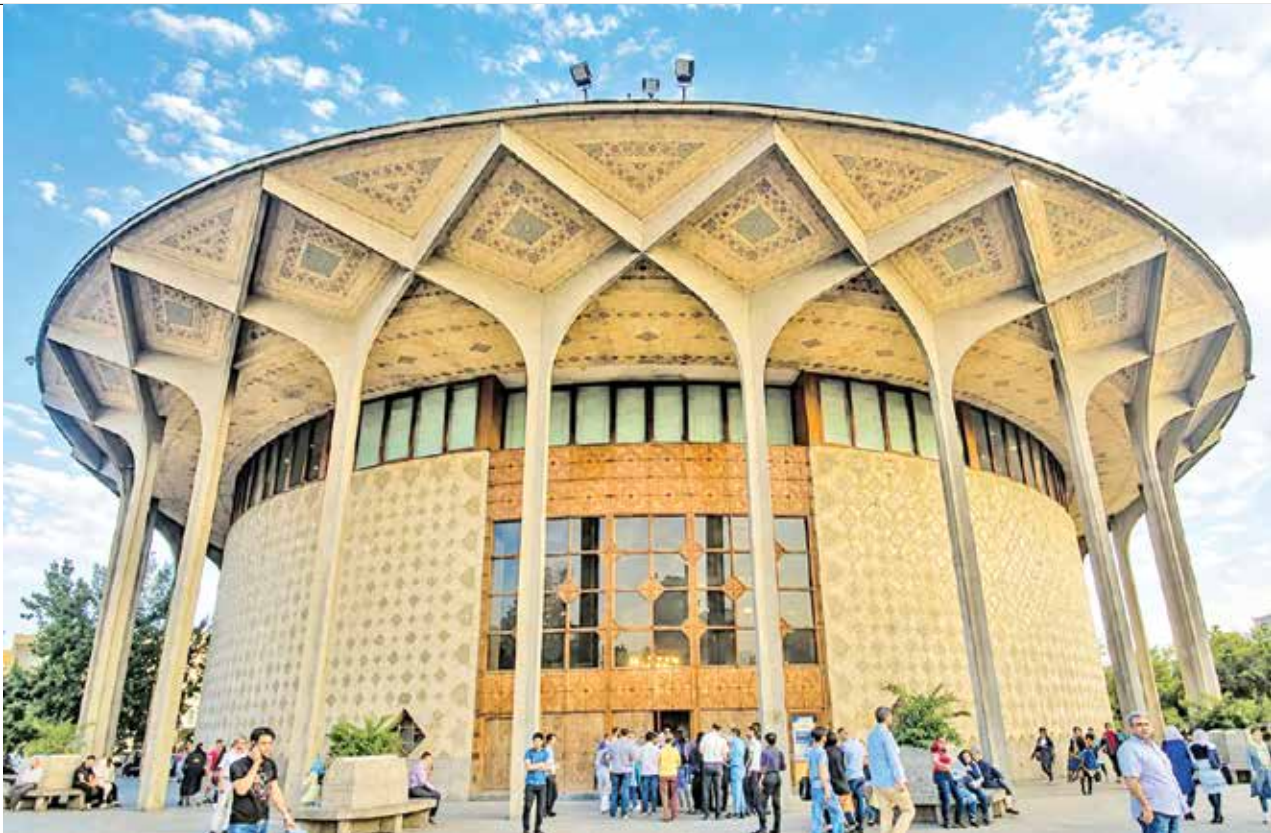
۴- متقاضیان شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضا الکترونیکی (توکن) به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

۵- بازدید از ملک مورد مزایده و مطالعه اسناد و مدارک مربوطه قبل از شرکت در مزایده
بای متقاضیان الزام است.

۶- واگذاری در فروش نقدی از طریق مبادیه نامه و در فروش اقساطی از طریق عقد اجاره به شرط تملیک با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار بوده و پس از حصول شرایط قراردادی، از طریق وکالت نامه و یا حسب مورد، انتقال قطعی در دفتر اسناد رسمی، منتقل خواهد گردید.

۷- شرکت در مزایده منوط به نداشتن چک برگشتی رفع سوء اثر نشده توسط متقاضی است. همچنین ارائه گواهی موضوع ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم (مبنی بر بی‌المانع بودن از نظر مالیات) بر عهده متقاضی بوده و عدم ارائه آن در مهلت مقرر

ردیف	شماره پرونده	آدرس ملک	پلاک ثبتی	کاربری	میزان مالکیت	عرصه	اعیان	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	وضعیت ملک	نحوه فروش
۱	۷۲۳۸	استان قزوین - شهرستان تاکستان - کیلومتر ۱۰ جاده قدیم تاکستان، ابهر - نرسیده به روستای ضیاء آباد - کارخانه ریز موج سیستم	۲۹۵۷ و ۸۲۴ فرعی از ۲ اصلی بخش ۱۱	صنعتی	سهام مشاع از ۹۶۲۴ سهم عرصه و اعیان با پلاک ۸۲۴ فرعی از ۲ اصلی - ۳۹۱۶،۰۹ سهم مشاع از ۵۰۷۲ سهم عرصه و اعیان با پلاک ۲۷۵۳ فرعی از ۲ اصلی - ۳۴۸۶،۰۳ سهم مشاع از ۴۵۱۵ سهم عرصه و اعیان با پلاک ۲۹۵۷ فرعی از ۲ اصلی	۱۷۲۱۱	۱۱۶۲۶	۳,۶۰۲,۰۴۳,۳۸۵,۵۰۰	یک واحد کارخانه صنعتی تولید لوح فشرده به همراه ماشین آلات مطابق گزارش کارشناسی - فروش با وضع موجود - ارائه تضمین معتبر و سهل البیع به میزان ارزش ماشین آلات به نحوی که اصل و سود مربوطه را پوشش دهد الزامی است	مشاعی دارای متصرف	نقد و اقساط
۲	۷۴۱۲	شبهسرت - تسوج - جاده قدیم سلماس - روستای انگشتجان - روبه روی دانشگاه آزاد	۱۹۴ فرعی از ۱۰ اصلی	صنعتی و مزروعی	شش دانگ	۱۱۷۸۳	۱۷۶۹	۳۶۶,۷۰۳,۹۰۰,۰۰۰	یک واحد صنعتی بانضمام ماشین آلات تولید و چاپ کیسه های نایلونی سه لایه جهت بسته بندی مواد بهداشتی به شرح گزارش کارشناسی - عرصه شامل ۴۰۰۰ مترمربع با احتساب اعیانی ها به صورت یک واحد کارخانه می باشد و یک قطعه زمین به مساحت ۷۷۸۳ مترمربع که به صورت زمین زراعی است - ارائه تضمین معتبر و سهل البیع به میزان ارزش ماشین آلات به نحوی که اصل و سود مربوطه را پوشش دهد الزامی است - فروش با وضع موجود	شش دانگ تخلیه	نقد و اقساط
۳	۶۵۷۳	اهواز - کیلومتر ۱۰ جاده اهواز، اندیمشک - شهرک صنعتی شماره ۲ اهواز - کارخانه مروارید سیاه ساحل	۳۳۷ و ۳۵۳ و ۳۵۴ فرعی از ۱۰ اصلی	صنعتی	شش دانگ	۱۰۶۶۳	۳۱۶۸,۴۹	۳,۳۶۶,۸۹۱,۷۵۵,۰۰۰	یک واحد صنعتی با ماشین آلات تولید قند مایع و پودر هسته خرما مطابق گزارش کارشناسی - ارائه تضمین معتبر و سهل البیع به میزان ارزش ماشین آلات به نحوی که اصل و سود مربوطه را پوشش دهد الزامی است - فروش با وضع موجود	شش دانگ تخلیه	نقد و اقساط
۴	۱۷۶۳۹	مازندران - سوادکوه شمالی - شیرگاه - روستای ایوک - پلاک ۵۴	۲۲۷ و ۱ فرعی از ۱۹۴ اصلی	باغ	شش دانگ	۹۹۹۳۷	۳۴۰	۱,۹۹۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	دارای دو جلد سند تک برگ - براساس گزارش کارشناسی ۹۰۶۲ متر داخل بافت و ۷۷۴۸۰ متر خارج از بافت و الباقی ترکیبی از مسکونی، فرهنگی، باغی و پارک می باشد - فروش با وضع موجود	شش دانگ تخلیه	نقد
۵	۵۶۲۹	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۴	۷۸۲۸ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	خدمات	شش دانگ	۱۳۷۱	۰	۲۰۴,۲۷۹,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۶	۵۶۳۳	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۵	۷۸۲۹ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	خدمات	شش دانگ	۴۴۶۲	۰	۶۳۳,۶۰۴,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۷	۵۶۳۴	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۱۱	۷۸۳۱ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	خدمات	شش دانگ	۲۴۲۱	۰	۳۸۲,۵۱۸,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۸	۵۶۴۴	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۵۵	۷۸۲۲ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	مسکونی - معبر خدمات	شش دانگ	۸۹۳۵,۲	۰	۱,۴۶۵,۳۷۲,۸۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری مسکونی، معبر و خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۹	۵۶۴۵	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۵۶	۷۸۲۳ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	خدمات	شش دانگ	۴۵۹	۰	۸۸,۱۲۸,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۰	۵۶۴۶	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۵۷	۷۸۴۴ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	مسکونی	شش دانگ	۴۸۶	۰	۱۷۰,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری مسکونی - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۱	۵۶۴۷	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۵۹	۸۱۹۵ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	مسکونی - معبر - خدمات	شش دانگ	۵۷۰,۳۴	۰	۱۰۲,۶۶۱,۲۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری مسکونی - معبر - خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۲	۵۶۴۸	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۶۱	۸۱۹۱ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	آموزشی	شش دانگ	۲۹۷۹,۶	۰	۵۱۵,۴۷۰,۸۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری آموزشی - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۳	۵۶۴۹	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۸۵	۸۱۹۰ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	معبر - تجاری - خدمات	شش دانگ	۴۹۸۵,۳۲	۰	۱,۰۷۱,۸۴۳,۸۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری معبر، تجاری و خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۴	۵۶۵۰	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۸۷	۷۸۴۹ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	سبزو باز	شش دانگ	۷۲۴,۹۶	۰	۸۰,۴۷۰,۵۶۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری فضای سبز و باز - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است - با کاربری فضای سبز و باز	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۵	۵۶۵۱	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۸۸	۷۸۵۰ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	سبزو باز	شش دانگ	۷۶۷	۰	۹۲,۰۴۰,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری فضای سبز و باز - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است - با کاربری فضای سبز و باز	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۶	۵۶۵۲	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۹۰	۸۱۹۳ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	خدمات	شش دانگ	۱۵۸۰	۰	۲۴۱,۷۴۰,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۷	۵۶۵۳	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۹۱	۸۱۹۴ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	خدمات	شش دانگ	۴۶۲۲,۸۳	۰	۶۲۴,۰۸۲,۰۵۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری خدمات - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۸	۵۶۵۴	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۹۸	۷۸۵۴ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	سبزو باز	شش دانگ	۴۰۰	۰	۴۵,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری فضای سبز و باز - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط
۱۹	۵۶۵۵	کرج - فردیس شهرک ناز یلوار - سرو ناز شمالی قطعه ۹۹	۷۸۵۵ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۶۳۰ فرعی	سبزو باز	شش دانگ	۱۲۱۴	۰	۱۲۳,۸۲۸,۰۰۰,۰۰۰	یک قطعه زمین با کاربری فضای سبز و باز - فروش با وضع موجود با قیمت کارشناسی - رفع کلیه معاذیر برعهده برنده مزایده است	شش دانگ	نقد و اقساط



کوروش سلیمانی در گفت‌وگو با «ایران» از چالش‌های تئاتر در یک سال گذشته می‌گوید

صحنه در میانه جنگ و صلح

تئاتر، بیش از هر هنر دیگری، با حضوری دوطرفه میان هنرمند و مخاطب معنا پیدا می‌کند. در یکسال اخیر شرایط خاص کشور سبب شد تا کار و فعالیت بسیاری از هنرمندان به ویژه تئاتر با تغییراتی همراه شود. حال پرسش اینجاست که چگونه می‌شود در حالت عادی یا شرایط خاص چراغ این خانه را روشن نگه داشت. کوروش سلیمانی یکی از هنرمندانی است که در عرصه بازیگری و کارگردانی تئاتر فعالیت‌های متعددی داشته است. او همچنین سابقه مدیریت مجموعه تئاتر شهر را هم در پرونده اش داشته و با فراز و نشیب‌های این هنر به خوبی آشناست. چند روز پیش از استعفا از سمت مدیریت تئاتر شهر در این باره با او گفت‌وگویی انجام داده ایم که در ادامه می‌خوانید.

گفت‌وگو

حامد قرب

گروه فرهنگی

در وضعیتی که به اصطلاح در دوران نه جنگ و نه صلح قرار داریم، قطعاً نه هنرمند می‌تواند با آرامش به فعالیت بپردازد و نه مخاطب هنرمند را همراهی می‌کند. این تعلیق طولانی، علاوه بر اختلال در برنامه اجراها، قاعدتاً بر روحیه افراد مرتبط با این حوزه تأثیر می‌گذارد. حال سؤال این است که با وجود این مشکلات به نظر شما چه کارهایی باید صورت بگیرد تا مشکلات فعالان این عرصه کاهش یابد؟

اوضاع و احوال برای هیچ‌کدام از ما ناآشنا نیست؛ غریبه که نیستیم، همه در این مملکت و سرزمین عزیز در یک کشتی نشسته ایم. شرایط، شرایط ویژه‌ای است؛ جنگی که هنوز به شکلی تمام نشده و صلحی که هنوز آغاز نشده است؛ طبیعی است که در چنین وضعیتی، تئاتر نیز مانند سایر اصناف دیگر دچار مشکلاتی شود.

از سال گذشته تا کنون، به دلیل شرایط خاص کشور، فعالیت تئاتر با فراز و نشیب‌هایی همراه شد و بسیاری از گروه‌ها و عوامل پشت صحنه متضرر شدند. اکنون که تئاتر به تدریج در حال بازگشت به روال عادی است، آیا در صورت بروز اتفاقی دیگر از جنس جنگ تحمیلی، می‌توان با استفاده از تجارب گذشته شرایطی را فراهم کرد که دچار تعلیق کار هنرمندان نشد؟

اگر شرایط جنگی به گونه‌ای باشد که جان هنرمندان و مردم به خطر بیفتد،

طبیعی است که مانند اسفندماه ناچار هستیم کارمان را تعلیق کنیم. اما اگر درگیری محدود به مناطقی باشد که شهر را مستقیماً متأثر نکند، می‌توان مانند دهه ۶۰، با وجود جنگ در مرزها، فعالیت‌های شهری را ادامه داد. همه چیز به شکل و گستره اتفاقی بستگی دارد که امیدوارم هرگز رخ ندهد. من کودکی‌ام را در جنگ تحمیلی هشت ساله گذرانده‌ام و هنوز ترومای آن دوران را با خود حمل می‌کنم. امیدوارم با مقاومت، تدبیر و خردورزی، از این پیچ تاریخی با کمترین آسیب عبور کنیم.

شما سال‌ها به عنوان بازیگر و کارگردان فعالیت کرده‌اید و دشواری‌های تولید تئاتر را می‌شناسید. هنرمندان در مواجهه با جنگ و چالش‌های اجتماعی، گاه مستقیماً به وقایع واکنش نشان داده‌اند و گاه صرف حفظ صحنه را نوعی مقاومت دانسته‌اند. در حال حاضر هنرمند ایرانی باید مستقیماً به رخدادها واکنش نشان دهد یا پیش از هر چیز برای زنده ماندن تئاتر و حفظ ارتباط با مخاطب تلاش کند؟

تئاتر زمانی اثرگذار است که به موضوعات، عمیق نگاه کند. هنرمند در هر شرایطی باید عمق اثرش را حفظ کند. همانند باغبانی که باید در کم‌آبی و دشواری نیز از باغش مراقبت کند. اگران باغ را ضروری می‌دانیم، نمی‌توانیم منتظر باران بمانیم و فقط در شرایط مساعد به سراغش برویم. البته کارکردن در وضعیت دشوار انرژی مضاعفی می‌طلبد؛ اما «در ره منزل لیلی

با چنین تلقی‌ای از ضرورت تداوم کار، وضعیت خودتان به عنوان هنرمند چگونه است؟

من در ۱۱ سال اخیر تقریباً ۹ نمایش را روی صحنه برده‌ام و تصمیم شخصی‌ام این بوده که سعی کنم هر سال یک اثر داشته باشم. فروردین و اردیبهشت سال گذشته نیز نمایش «شک» را در تماشاخانه ایرانشهر اجرا کردیم. امسال شرایط به گونه‌ای بود که تا این لحظه نتوانسته‌ام نمایشی را آماده کنم، اما امیدوارم در نیمه دوم سال این امکان فراهم شود.

یعنی هنر را می‌خواهیم تا ما را به جایی برساند؟

دقیقاً. ممکن است کسی مدیر شود تا عنوان ریاست داشته باشد، تئاتر کار کند تا به درآمد برسد، وارد سینما



تئاتر برای من

مانند فرزند،

پدر و مادر و

وطن است و

نیاید وسیله

رسیدن به

پول، مقام

یا شهرت

شود. اگر خود

تئاتر اولویت

اصلی ما بود،

با بسیاری

از مشکلات

کنونی و

این میزان

عافیت‌طلبی

مواجه

نمی‌شدیم



و سریال شود تا نامش را بزرگ‌تر روی پلینورد ببیند. در همه این موارد، مسأله اصلی تئاتر نیست، بلکه منفعتی است که فرد از آن به دست می‌آورد. البته اهمیت معیشت، بویژه در وضعیت امروز، انکارشدنی نیست؛ اما تئاتر برای من مانند فرزند، پدر و مادر و وطن است و نیاید وسیله رسیدن به پول، مقام یا شهرت شود. اگر خود تئاتر اولویت اصلی ما بود، با بسیاری

امروز برخی نمایش‌های حرفه‌ای با حضور بازیگران شناخته‌شده، بلیت‌هایی در حدود ۹۰۰ هزار تومان دارند و تمام ظرفیت‌شان نیز در چند دقیقه تکمیل می‌شود. این استقبال نشانه زنده بودن تئاتر است، اما این پرسش را ایجاد

می‌کند که چنین آثاری با کدام طبقه اجتماعی سخن می‌گویند. آیا تئاتری که به کالایی گران برای گروه محدودی تبدیل شده، همچنان می‌تواند مدعی کارکرد عمومی و اجتماعی باشد؟

من به عنوان کسی که در این حیطه فعالیت می‌کنم قیمت‌های بلیت بسیار بالا را تأیید نمی‌کنم، اما گروه‌ها نیز برای ادامه فعالیت به تأمین مالی نیاز دارند و تئاتر ناگزیر وجهی اقتصادی دارد. امروز حتی قیمت یک غذای ساده ممکن است با بلیت تئاتر برابری کند؛ بنابراین، هزینه بلیت را باید در نسبت با قیمت سایر کالاها و خدمات سنجید.

اما برای دو نفر، با احتساب بلیت، رفت‌وآمد و یک پذیرایی ساده، هزینه یک شب تئاتر ممکن است به پنج میلیون تومان برسد. در جامعه‌ای با حداقل حقوق حدود ۲۰ میلیون تومان، چنین رقمی بسیاری از مردم را از بودن در

سالن تئاتر حذف می‌کند. بویژه در تئاتر شهر که مردمی بودن همواره یکی از ویژگی‌های اصلی آن بوده، چگونه می‌توان میان افزایش قیمت و حفظ دسترسی مخاطب تعادل برقرار کرد؟

من همواره، حتی در برنامه‌های تلویزیونی و گفت‌وگو با کارگردانانی که خواهان افزایش قیمت بودند، از حفظ دسترسی مخاطب دفاع کرده‌ام؛ به خصوص در تئاتر شهر که مجموعه‌ای مردمی است. قیمت بلیت امسال افزایش یافته، اما این میزان در مقایسه با تورم، حداقلی بوده است. حقوق سالانه حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش پیدا می‌کند، درحالی‌که تورم گاهی به ۶۰ یا حتی بیشتری رسد. در کنار حق مخاطب، باید وضعیت گروه‌هایی را هم دید که از طریق تئاتر امرارمعاش می‌کنند. بنابراین، چاره‌ای جز حفظ تعادل نداریم؛ نه مخاطب عمومی از سالن حذف شود و نه امکان ادامه فعالیت از گروه‌های نمایشی گرفته شود.



نذرت به سلامتی می‌رسد

داروی کودکان محک نذر امسالتون باشه

زیر این سقف تنها آرزوی خانواده‌ها، بهبودی پاره تنشون از بیماری سرطان و تمام تلاش ۳۰ ساله خانواده محک، کم کردن نگرانی تأمین هزینه درمان این قهرمان‌های کوچک برای خانواده‌هاشون بوده و هست.

با پرداخت نذر امسالتون به محک، فاصله بین آرزو و سلامتی را برای کودکان مبتلا به سرطان کوتاه کنید

روش‌های حمایت از کودکان محک

شماره کارت بانک ملی: ۰۵۹۵۰-۹۹۱۱-۹۹۱۱-۶۰۳۷

گزینه نیکوکاری اپلیکیشن آب ۰۲۱-۲۳۵۴۵

از این که به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم.



محک، عشق، سی ساله شد

گاهی حج؛ رسیدن به قلب آدم‌های تنهاست...

چه خوب که در عید قربان، زیباترین جلوه عشق به پروردگار را، با بندگان در انتظار محبت تقسیم کنیم.

امکان مشارکت در ذبح گوسفند، با پرداخت مبلغ دلخواه

۷۸۰*۶۵*

۵۰۴۴۷-۰۸۷۰-۰۲۹

کمک‌رسانی از طریق کد دستوری:

شماره کارت بانک توسعه و تعاون:



پروژه آوازی

موسسه خیریه کهریزک
مرکز نگهداری، درمان
آموزش معوقین و سبلان
فردوان، فرهنگستان مردمی
کمک‌های مردمی: ۰۲۱-۴۲۱۱۴۰۰۰

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ل	ن	و	ج	ا	ر	ی	ک	خ	ا	ن	و	ا	ن
ب	ا	د	م	ا	ن	ا	ت	ا	م	ا	ن	ا	ف	ا
۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
ر	ه	ا	و	د	ا	ر	ی	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن
۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
ش	ز	ر	ش	ن	ا	خ	ت	ب	ی	ک	س	ی	س	ی
۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
م	د	و	م	ق	ط	ا	ب	م	ن	ج	ن	ج	ن	ج
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
و	ن	ا	خ	ا	م	ا	ه	ا	و	ا	د	ر	و	ا
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲	۳
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱	۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

گفت‌وگو

مهدی پاشازاده، مدافع پیشین

تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

باشگاه‌های جهان تمایلی به جذب بازیکنان مسن ندارند

پریسا غفاری/ در شرایطی که بحث درباره افت کیفیت فوتبال ایران و کاهش تعداد لژیونرهای فوتبال ایران در لیگ‌های معتبر اروپایی به‌عنوان یک چالش جدی در محافل خبری مطرح شده‌است، مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی و یکی از لژیونرهای جام جهانی ۱۹۹۸، وضعیت موجود را محصول نبود برنامه‌ریزی، ضعف در پرورش استعدادها و نگاه نتیجه‌گرایانه در فوتبال ایران می‌داند. پاشازاده با اشاره به کیفیت نامطلوب فوتبال ایران وافت محسوس توانمندی بازیکنان ایرانی می‌گوید: «وقتی ۱۰ سال تغییری در ترکیب تیم ملی فوتبال ایران نباشد و با همان بازیکنان ۲۰۲۲ به جام جهانی ۲۰۲۶ برویم، چه نوعی است که باشگاه‌های جهان خواهان بازیکن ایرانی با سن بالا باشند. بازیکن پیشین تیم ملی در ادامه توضیح می‌دهد: «بازیکنان زحمت خود را کشیدند، اما واقعیت این است که ما در ۱۰ سال گذشته رشدی در فوتبال نداشته‌ایم؛ از ۱۴ لژیونر ۲۰۲۲ به دو بازیکن در جام جهانی ۲۰۲۶ رسیدیم؛ این یعنی ساختار و برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای بهبود کیفیت نداشتیم و جوانان خوبی را هم پرورش ندادیم. اگر دو، سه جوان مستعد هم پیدا شد، فرصت بازی پیدا نکردند و این‌ها از آنها گرفت. پاشازاده به سن بازیکنان جام کادر فنی از آنها گرفت. می‌گوید: «هن در آن زمان ۲۳ سال سن داشتم، مهدوی‌کیا ۱۲، سیروس دین محمدی ۲۴، علی مصوریان ۲۵ و کریم باقری ۲۳ ساله بودند؛ سنی معمول که توانستیم با نمایشی خوب لژیونر شویم. ولی اکنون در سال ۲۰۲۶، کادر فنی با تفکر نتیجه‌گرا و اعتقاد به باتجربه‌ها گام برداشت؛ حتی به نظرم اگر رامین رضاییان ۲۶ ساله هم بود، با این عملکرد برای یک سال می‌توانست در بهترین تیم‌ها لژیونر شود.» مربی فوتبال ایران با انتقاد از حضور بازیکنان فوتبال ایران در لیگ‌های سطح پایین می‌گوید: «خلی‌ها با هیجان از ترانسفر شدن بازیکنان به روسیه حرف می‌زنند؛ لیگ روسیه در حد لیگ امارات است و عجیب این است که باری در این لیگ برای فوتبالبست‌های ما آرزو شده‌است. آنها با ۱۰۰ میلیارد تومان می‌روند و با ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان برای رضایتنامه برمی‌گردند بدون یک ریال آورده برای باشگاه‌های ایرانی. این رفت‌وآمدها برای فوتبال ایران و باشگاه‌ها هیچ سودی ندارد و تا زمانی که ساختار مدیریتی درستی نداشته باشیم، این چرخه معیوب در حال تکرار است.»

سینا حسینی/ در فوتبال مدرن، جام جهانی فقط به معنای برگزاری مسابقات ملی میان قدرت‌های راه‌افته به این تورنمنت نیست؛ بلکه در نقش موتور محرک اقتصاد جهانی فوتبال عمل می‌کند. این تورنمنت بزرگ، ویتربنی است که در آن استعدادهای نوظهور از کشورهای در حال توسعه فوتبال، با چند نمایش درخشان می‌توانند مسیر حرفه‌ای خود را متحول کنند و همزمان، برای باشگاه‌های مبدأ آرزآوری قابل توجهی داشته باشند. نمونه‌های مصادیقی در بازار نقل وانتقالات به‌خوبی این واقعیت را نشان می‌دهند: «جیمز رودریگز» پس از درخشش در جام جهانی ۲۰۱۴ با انتقالی حدود ۸۰ میلیون یورو از موناکو به رئال مادرید، به یکی از گران‌ترین خریدهای آن زمان تبدیل شد. «انزو فرانز» نیز پس از نمایش چشمگیر در جام جهانی ۲۰۲۲، با رقمی بیش از ۱۲۰ میلیون یورو با بنفیکا به چلسی پیوست و رکورد نقل وانتقالات لیگ برتر انگلیس را جابه‌جا کرد یا «یوشکو گواردیول» مدافع کرواسی، بعد از درخشش در همان جام جهانی با انتقالی حدود ۹۰ میلیون یورو راهی منچسترستیتی شد. حتی در سطحی پایین‌تر، «سوفیان امراپ» مراکشی با عملکردش در قطر، توجه باشگاه‌های بزرگ را جلب کرد و ارزش بازاریش به‌شکل محسوسی افزایش یافت.

در این میان، کشورهایی مانند برزیل، آرژانتین، کرواسی، مراکش و حتی صربستان، از موفق‌ترین نمونه‌ها در

دوران افت و کاهش ترانسفر از لیگ ایران

یادداشت



جلال چراغپور

کارشناس فوتبال

معمولاً ایجنت‌ها در هر دوره جام جهانی، بازیکنان را بر اساس استانداردهای روز بازی برای ترانسفر به باشگاه‌ها انتخاب می‌کنند. این استانداردها به‌گونه‌ای است که ایجنت‌ها با مشاهده بازیکنان، خیلی سریع آن را تشخیص می‌دهند؛ درست مانند کارشناس الماس که در هر شرایطی بتواند قطعات الماس را شناسایی کند. در واقع ایجنت‌ها بازیکنان را در جریان بازی بر اساس فاکتورهایی چون کنترل و نحوه کنترل توپ، تسلط بر توپ، نگاه به بازی و



«ایران» علل کاهش سهم ارزآوری باشگاه‌های فوتبال در بازار جهانی را بررسی می‌کند

جیب خالی، ژست میلیاردری

بهره‌برداری اقتصادی از جام جهانی بوده‌اند؛ کشورهای که با ساختار مناسب در استعدادیابی و پرورش بازیکن، جام جهانی را به سکوی فروش و معرفی بازیکنان خود تبدیل کرده‌اند و از این مسیر، سالانه میلیون‌ها دلار درآمد غیرمستقیم به چرخه فوتبال‌شان تزریق می‌کنند. فوتبال ایران نیز در مقاطع مختلف، از این ویت‌ترین جهانی به شکل مطلوبی بهره برده بود؛ از ۱۹۹۸ «بجره صادراتی» برای بازیکنان ایرانی عمل می‌کرد. اما این چرخه درآمدزایی در سال‌های اخیر، بویژه پس از جام جهانی ۲۰۲۲ و ۲۰۲۶، به‌طرزی نگران‌کننده متوقف شده تا مشخص شود سید ایران از این بازار پررونق جهانی تقریباً خالی مانده است.

پس از جام جهانی ۱۹۹۸، موجی از لژیونر شدن بازیکنان ایرانی شکل گرفت. مهدوی‌کیا، پاشازاده، دین محمدی، شاهرودی، میناوند و خاکپور، هر یک به‌واسطه دیده‌شدن در بزرگ‌ترین صحنه فوتبال جهان، راهی لیگ‌های اروپایی شدند. این روند در سال ۲۰۰۶ نیز ادامه یافت؛ حتی با وجود نتایج نه‌چندان درخشان تیم ملی، بازیکنانی چون نkouمان و تیموریان مسیر خود را به فوتبال اروپا باز کردند و دیگران نیز در ادامه به این جریان پیوستند.

در ۲۰۱۴ و بویژه ۲۰۱۸، این روند به بلوغ رسید. نمایش منسجم تیم ملی، نام‌هایی چون بیرانوند، امیری،

مستربینگ انتخاب می‌کنند. شکارچیان استعداد با چشمانی تیزبین، بازیکنان را نه بر اساس اتفاقات تصادفی فوتبال، بلکه طبق استانداردهای به‌روز این رشته می‌بینند. آنها فوق‌تخصص در تماشای بازیکن دارند؛ همان‌طور که کارلوس کی‌روش در جوانی در زمینه مشاهده و انتخاب بازیکن برای منچستریونایتد تخصص بالایی داشت. با این شرایط، این سؤال مطرح می‌شود که کدام ملی‌پوش فوتبال ایران را می‌توان صاحب «مستر تکنیک» دانست؟ حتی در مقاله‌ای جدید از فیفا آمده است که مهم نیست بازیکن در شرایط بدون فشار چگونه توپ را استپ می‌کند، بلکه مهم کنترل توپ در موقعیت‌های فشرده است؛ زمانی که بازیکن حریف او را محاصره کرده‌اند و باید واکنش نشان دهد. در این مقاله گل‌تی به ۲۰ تیم اشاره شده که یکی از آنها «احتمال گلزنی تیم‌ها» است؛ مفهومی که کمتر به‌صورت دقیق

حسینی و دیگران را در رادر باشگاه‌های خارجی قرار داد. هرچند مقصد برخی از این انتقال‌ها کشورهای حاشیه خلیج فارس بود، اما همچنان «برند فوتبال ایران» در بازار جهانی فعال و قابل‌اعتنا به نظر می‌رسید. اما امروز بعد از پرگزاری دو دوره رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ و ۲۰۲۶ این چرخه در عمل از حرکت ایستاده است. دیگر خبری از موج انتقال پس از جام جهانی نیست. نه‌تنها بازیکنان تازه‌ای به اروپا معرفی نمی‌شوند، بلکه حتی لژیونرهای فعلی نیز در آستانه بازگشت به لیگ داخلی قرار دارند. این وضعیت، فقط یک مسأله فنی نیست؛ بلکه یک ضربه مستقیم اقتصادی به بدنه فوتبال باشگاه‌های ایران است.

در فوتبال حرفه‌ای، فروش بازیکن یکی از منابع اصلی درآمدی باشگاه‌هاست. باشگاه‌هایی که در لیگ‌های متوسط یا ضعیف‌تر فعالیت می‌کنند، از طریق پرورش استعداد و فروش آن به لیگ‌های بزرگ‌تر، چرخه مالی خود را زنده نگه می‌دارند. فوتبال ایران اما در این بازار جهانی، در عمل سهمی ندارد. نه انتقال‌های بزرگ ثبت می‌شود، نه قراردادهای قابل‌توجهی منعقد می‌گردد و نه حق رشد به باشگاه‌های ایرانی بازمی‌گردد. آنچه وضعیت را نگران‌کننده‌تر می‌کند، الگوی معیوب برخی انتقال‌هاست. بازیکنان ایرانی با مبالغی ناچیز به لیگ‌هایی مانند پرتغال یا روسیه می‌روند، اما پس از دوره‌ای کوتاه و بدون پیشرفت محسوس، با ارقام

تعریف شده‌است. طبق این تعریف، ۷ تیم در کنار هم قرار می‌گیرند تا احتمال گلزنی تیمی و افرادی شکل بگیرد. ممکن است تیمی ۵۰۰ پاس بدهد، اما بیش از دو گل به ثمر نرساند؛ بنابراین، این تعداد پاس الزاماً به گل منجر نمی‌شود. در واقع، عواملی مانند موقعیت در زمین، نوع تمرینات، پاس‌های خطرناک، نحوه پاس‌هایی که خط دفاع حریف را می‌شکنند، سرعت پاس‌ها و موارد مشابه، احتمال گلزنی تیم را از نگاه تحلیلگران تیزبین پیش‌بینی می‌کنند و پس از بررسی، مشخص می‌شود که کدام تیم شانس بیشتری برای پیروزی دارد. نکته مهم دیگر، میدان‌گری (عملکرد بدنی و واکنشی) ورزشکار است. برای مثال، امپایه ۱۰۰ متر را در ۱۰ ثانیه می‌دود و واکنش‌هایش حدود سه‌دهم ثانیه است؛ مشابه مسی، چرا مسی در بازی کمتر آسیب می‌بیند، اما طارمی در دربی‌ل دچار آسیب می‌شود؟ زربار بازیکنی

مؤدیان دانست و گفت: یکی از مهمترین دستاوردهای این قانون، تسریع و تسهیل در استرداد مالیات به فعالان اقتصادی است.

مبارزه با فرار مالیاتی با هوشمندسازی فرایندها

رئیس کل سازمان امور مالیاتی در بخش دوم نشست خبری خود به مهمترین تغییر رویکرد نظام مالیاتی پرداخت و از آن به‌عنوان «عبور از حصاررسی مبتنی بر عامل انسانی و حرکت به سمت مالیات‌ستانی داده‌محور» یاد کرد.

سیدمحمدهادی سبحانیان با تأکید بر اینکه افزایش درآمد‌های مالیاتی نباید به معنای افزایش فشار بر مؤدیان تلقی شود، گفت: راهبرد سازمان، شناسایی دقیق فرارهای مالیاتی از طریق تحلیل داده‌ها و الگوریتم‌های هوشمند است؛ به گونه‌ای که مؤدیان شفاف‌گترین اصطکاک را با نظام مالیاتی داشته باشند و تمرکز سازمان بر شناسایی رفتارهای پرریسک و تخلفات سازمان‌یافته باشد.

وی اجرای قانون یا پانه‌های فروشنده‌گی و سامانه مؤدیان را مهمترین زیرساخت این تحول دانست و گفت: این قانون فقط ابزار وصول مالیات نیست، بلکه امکان کشف کتمان درآمد، اصلاح اطلاعات مؤدیان و شناسایی الگوهای غیرمتعارف را نیز فراهم کرده است؛ سبحانیان همچنین تصریح کرد: شناسایی شده‌اند که در عمل برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مورد استناد قرار می‌گرفتند.

وی افزود: این موارد نیز پس از بررسی‌های سیستمی استخراج شده و فرآیند اصلاح یا رسیدگی به آنها آغاز شده است. سبحانیان با اشاره به برخی نمونه‌های مرسوم از مغایرت‌های ثبت‌نامی گفت: در بررسی‌های انجام شده، مواردی نیز در حوزه آرایشگاه‌های زنانه مشاهده شده که رتبه ثبت‌شدن آرایشگاه با مجوز یا فعالیت واقعی آنها مطابقت نداشته است. وی تأکید کرد که در همه این پرونده‌ها، ابتدا به مؤدی اطلاع‌رسانی می‌شود و فرصت اصلاح اطلاعات در اختیار او قرار می‌گیرد و تنها در صورت احراز تخلف، اقدام‌های بعدی انجام خواهد شد.

ماليات بر سوداگري وارد مرحله اجرا مي‌شود

از سرمایه‌های کشور محسوب می‌شوند، اما در برابر هرگونه تخلف نیز نمی‌توان بی‌تفاوت بود و حقوق عامه باید استیفاء شود.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی همچنین در تشریح مصادیق مبارزه با فرار مالیاتی از شناسایی ۱۷۴ هزار دستگاه کارخانوان در حوزه میوه و تره‌بار خبر داد که صاحبان آنها رفتار اقتصادی خرده‌فروشی داشتند، اما از دستگاه کارخانوان عمده‌فروشی استفاده می‌کردند.

وی در توضیح این مصادیق گفت: ضریب سود فعالیت عمده‌فروشی یا خرده‌فروشی تفاوت قابل توجهی دارد و برخی مؤدیان با استفاده از کارخانوان‌های نامرتب، تلاش می‌کردند مالیات کمتری پرداخت کنند؛ موضوعی که اکنون از طریق تحلیل داده‌ها و تطبیق رفتار اقتصادی قابل شناسایی شده است.

سبحانیان همچنین از شناسایی ۸۶۱ فعال بازار طلا خبر داد که با وجود انجام فعالیت‌های معمول طلافروشی، از کارخانوان مربوط به فعالیت آب‌شده‌فروشی استفاده می‌کردند.

به گفته وی، تفاوت ماهیت این فعالیت‌ها موجب تفاوت در نحوه محاسبه مالیات می‌شود و استفاده نادرست از اینتا‌کده‌های مالیاتی، یکی از مصادیق فرار مالیاتی به شمار می‌رود.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی در ادامه اعلام کرد که چهار هزار و ۲۸۴ دستگاه کارخانوان غیرتجاری نیز شناسایی شده‌اند که در عمل برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مورد استناد قرار می‌گرفتند.

وی افزود: این موارد نیز پس از بررسی‌های سیستمی استخراج شده و فرآیند اصلاح یا رسیدگی به آنها آغاز شده است.

ماليات بر سوداگري وارد مرحله اجرا مي‌شود

در ادامه نشست، سبحانیان از آماده

شدن زیرساخت‌های اجرای قانون مالیات بر سوداگری و بسته‌بازی خبر داد.

وی گفت: بخش عمده آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون در سازمان امور مالیاتی تدوین شده و بخشی نیز برای تصویب به هیات دولت ارسال شده است.

به گفته رئیس کل سازمان، هم‌زمان زیرساخت‌های نرم‌افزاری این قانون نیز در حال تکمیل است تا پس از نهایی شدن مقررات، امکان اجرای کامل آن فراهم شود.

«کارپوشه اقتصادی ایرانیان»؛ پایگاه جدید داده‌های اقتصادی

سبحانیان همچنین از توسعه «کارپوشه اقتصادی ایرانیان» به سامانه سازمان امور مالیاتی خبر داد، وی توضیح داد: در این سامانه، اطلاعات اقتصادی هر شخص در کارپوشه غیرتجاری به‌تدریج جمع می‌شود؛ از جمله مشخصات هویتی، اعضای خانوار، حساب‌های بانکی، تسهیلات، وام‌ها، درآمد، املاک، خودروها و سایر داده‌های اقتصادی که براساس قوانین در اختیار سازمان قرار می‌گیرد.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی تأکید کرد هدف از ایجاد این پایگاه، صرفاً وصول مالیات نیست، بلکه فراهم کردن زیرساخت حکمرانی مبتنی بر داده، مقابله با پول‌شویی، افزایش شفافیت اقتصادی و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری در کشور است؛ وی با اشاره به تأکید رئیس‌جمهور بر تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی موضوع ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم و استفاده از داده‌های اقتصادی در حکمرانی داده‌محور گفت: اجرای کامل قانون پایانه‌های فروشگاه‌ای و سامانه مؤدیان، پایگاه اطلاعات مالیاتی این ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر سوداگری، پایگاه‌های داده را تکمیل می‌کند؛ نظامی که به گفته مسؤولان سازمان، قرار است سهم عمیری سنتی را کاهش داده و جای آن را به تحلیل داده و رسیدگی مبتنی بر ریسک بدهد.

سبحانیان بار دیگر تأکید کرد که خود را در افزایش شفافیت، کاهش اصطکاک با مؤدیان قانون‌مدار و تمرکز بر شناسایی فرارهای مالیاتی از طریق داده و فن‌آوری تعریف کرده است؛ مسیری که می‌تواند هم درآمد‌های پایدار دولت را تقویت کند و هم عدالت مالیاتی را ارتقا دهد.

استاندار گیلان با اشاره به حمله اوکراین علیه یک کشتی تجاری ایران:

مبادلات تجاری از مسیر خزر برقرار است

تداوم تجاوز به ضرر هر ۵ کشور حاشیه خزر است

گزارش

شیمیا جهان بخش

گروه ایران زمین

بررسی‌های میدانی و آخرین ارزیابی‌های مسئولان ارشد استان گیلان نشان می‌دهد که برخلاف فضاسازی‌های اولیه، این حمله تأثیر ساختاری یا دائمی بر امنیت دریانوردی در دریای خزر نداشته و تمام ترده‌های تجاری در مرزهای آبی و زمینی شمال کشور بر مدار عادی و همیشگی در جریان است. همچنین بررسی وضعیت زیرساختی بنادر شمالی کشور اثبات می‌کند که ظرفیت‌های ایجادشده در مرزهای شمالی به سطحی از آمادگی رسیده که توانایی پوشش کامل واردات کالاهای اساسی کشور را داراست.

جزئیات حمله پیهادی به کشتی تجاری بندرانزلی

این حادثه تجاری که در آب‌های سرزمینی روسیه رخ داد، بلافاصله با موضع‌گیری و پیگیری‌های رسمی حقوقی و دیپلماتیک از سوی جمهوری اسلامی ایران مواجه شد. «هادی حق شناس»، استاندار گیلان، در تشریح جزئیات این خبر در گفت‌وگوی اختصاصی با «ایران»، اظهار کرد: «دوم مرداده‌ها، یک کشتی تجاری ثبت بندرانزلی در آب‌های دریای خزر و در لنگرگاه خارجی رودخانه ولگا هدف حمله قرار گرفت و امنیت یکی از مسیرهای مهم تجارت دریایی منطقه را مخدوش کرد.»

وی افزود: «در این حمله، پل فرماندهی کشتی به طور کامل تخریب شد و متأسفانه ۳ نفر از خدمه این کشتی مجروح شدند و یکی از دریانوردان نیز به

شهادت رسید و کشتی از ادامه مأموریت بازماند.» به گفته استاندار گیلان، این شناور حامل بار آهن بود که از بندر آستراخان به مقصد بندرانزلی در حال حرکت بود؛ مسیری که سال‌ها به عنوان یک کریدور امن و مطمئن برای مبادلات تجاری میان دو بندر مورد استفاده قرار می‌گرفت. حق شناس با تأکید بر اینکه دشمن در پی ایجاد ناامنی در دریای خزر است، تصریح کرد: «این اقدام نه تنها تعرض به یک کشتی تجاری، بلکه حمله به امنیت تجارت دریایی و آرامش منطقه است و بدون تردید با محکومیت افکارعمومی و پیگیری جدی مراجع ذی‌صلاح داخلی و بین‌المللی مواجه خواهد شد.»

واکنش دیپلماتیک به جنایت اوکراین و ماهیت موقت حادثه

وی همچنین با تسلیت شهادت این دریانورد گیلانی به خانواده وی و مردم استان، خاطرنشان کرد: «ابعاد این حادثه از طریق مراجع و دستگاه‌های مسئول در حال پیگیری است. وزیر امور خارجه صراحتاً درباره این جنایت اظهارنظر کرده و اقدامات لازم حقوقی برای پیگیری آن انجام شده است.» استاندار گیلان در ارزیابی ابعاد و تأثیرات این حمله بر امنیت حوزه خزر تأکید دارد: «هیچ اتفاق خاص یا فوق‌العاده‌ای در این پهنه آبی نیفتاده است.» به گفته رئیس شورای تأمین استان گیلان، دریای خزر منحصراً متعلق به ۵

کشور حاشیه‌ای آن است و این کشورها هیچ‌گونه مشکلی با یکدیگر ندارند و تمامی رفت‌وآمدها و تردهای شناورها روال طبیعی خود را طی می‌کنند. حق شناس با تبیین تفاوت‌های ساختاری دریای خزر با سایر آب‌راه‌های بین‌المللی تصریح کرد: «برعکس سایر آب‌های جهان که کشورهای متعدد در آن مداخله می‌کنند، در خزر فقط همین ۵ کشور حضور دارند؛ بنابراین اقدامی که از سوی اوکراین صورت گرفته، مداخله یک کشور بیگانه محسوب می‌شود و چنین مداخلاتی به هیچ عنوان نمی‌تواند دائمی باشد.»



وی این حمله را یک «کار مودی» برشمرد و یادآور شد: «اگر چنین رفتارهایی تداوم پیدا کنند، از آنجا که به ضرر هر ۵ کشور حاشیه خزر تمام خواهد شد، طبیعی است که اقدامات دیگری علیه آن صورت خواهد گرفت و به همین دلیل این اتفاق نمی‌تواند یک موضوع تأثیرگذار دائمی بر امنیت کشتیرانی باشد.» استاندار گیلان در خصوص تأثیرات مقطعی این رویداد نیز خاطرنشان کرد: «هر کار خطایی طبیعتاً حواشی و تأثیرات موقتی کوتاه‌مدتی ایجاد می‌کند. کشور اوکراین مرتکب یک اقدام کاملاً خطا شده و به توفیق الهی، پاسخش را از سوی نیروهای مسلح دریافت خواهد کرد.»

هدف روسیه بود، نه ایران

یکی از پرسش‌های مهم در تحلیل این حادثه، چرایی و انگیزه اصلی

اوکراین از اجرای چنین حمله‌ای در محدوده آب‌های سرزمینی روسیه بود. حق شناس خاطرنشان کرد: «انگیزه اصلی اوکراین از این اقدام، ناامن کردن حجم ورود و خروج کالا در بنادر شمالی آن منطقه از منظر کشتیرانی و ترانزیت بوده است. شاهد این مدعا آن است که در حال حاضر در سایر بنادر منطقه نظیر بنادر قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، تمام کارهای ترانزیتی و تردهای تجاری کاملاً به صورت عادی انجام می‌شود و هیچ اختلالی در فرآیند مبادلات آنها به وجود نیامده است.»

روند صعودی حجم تجارت در بنادر گیلان

یکی از نگرانی‌های مطرح‌شده پس از وقوع این حادثه، احتمال کاهش حجم مبادلات و افت مبادلات تجاری در بنادر شمالی کشور بود. اما استاندار گیلان با رد کامل این گمانه‌زنی‌ها تأکید کرد: «آمارها و واقعیات میدانی نشان‌دهنده مسیر معکوس این ادعااست.» به گفته

حق شناس، نه تنها هیچ تغییر منفی یا کاهش در حجم تجارت بنادر شمالی رخ نداده، بلکه تغییرات صورت گرفته کاملاً مثبت و افزایشی بوده است. حجم ورود و خروج کالا در بنادر شمالی روند صعودی دارد و هیچ مشکلی در مجموعه بنادر شمالی کشور وجود ندارد. در حال حاضر هم در مرزهای زمینی و هم در مرزهای دریایی استان،

چشم‌انداز ثبات و توسعه در خزر

مجموع داده‌ها و اظهارات مسئولان ارشد استان گیلان نشان می‌دهد که بنادر شمالی کشور نه تنها در اثر حادثه اخیر دچار آسیب یا توقف نشده‌اند، بلکه با اتکا به زیرساخت‌های گسترده زمینی و دریایی، نقش کلیدی خود را در حفظ شریان‌های تجاری کشور ایفا می‌کنند. دریای خزر به عنوان یک پهنه آبی اختصاصی میان ۵ کشور همسایه، بستری امن برای مبادلات اقتصادی است و اقدامات مودی کشورهای بیگانه نمی‌تواند این ثبات منطقه‌ای را دستخوش تغییر بکند. با پیگیری‌های حقوقی و دیپلماتیک انجام‌شده و استمرار روند صعودی ورود و خروج کالا، بنادر استان گیلان همچنان به‌عنوان یکی از محورهای اصلی و اتکاذیر در شبکه تجارت و تأمین کالاهای اساسی کشور به فعالیت خود ادامه می‌دهند.



برش

تقاضاها و نیازهای جدید تجاری کشور است؛ بویژه آن‌که بنادر شمالی به صورت تاریخی محور اصلی تجارت نبوده و بیشتر تمرکز زیرساختی کشور بر بنادر جنوبی قرار داشته است. حق شناس با اشاره به جهش زیرساختی بنادر شمالی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأکید کرد: «ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های بسیار خوبی در شمال ایجاد شده است. ما به لحاظ تعداد کشتی‌ها و تعداد اسکله‌ها با هیچ مشکلی مواجه نیستیم و تنها تفاوت موجود میان بنادر شمال و جنوب، در سائز و ظرفیت بارگیری کشتی‌هاست.» وی تصریح کرد: «زیرساخت‌هایی که پس از انقلاب در مرزهای شمالی کشور ایجاد شده، به هیچ وجه با گذشته قابل مقایسه نیست. به جرأت می‌توان گفت که امروز مجموعه مرزهای زمینی و آبی در شمال کشور از چنان زیرساخت‌های مناسبی برخوردارند که ما قادر هستیم کل واردات کالاهای اساسی کشور را از طریق همین زنجیره بنادر و مرزهای شمالی انجام دهیم.

وسعت جغرافیایی ایران؛ مانع اصلی در برابر نقشه‌های دشمن

استاندار گیلان در پاسخ به برخی تحلیل‌ها مبنی بر تلاش دشمن برای گسترش نبرد و کشاندن جبهه ناامنی به سواحل شمالی ایران، وضعیت امنیت بنادر گیلان را پایدار توصیف کرد و افزود: «ایران کشوری وسیع است که در چهار جهت شمال، جنوب، شرق و غرب امتداد یافته است. ایران مانند رژیم غاصب صهیونیستی نیست که مجموع مساحتش یک وجب باشد و با یک حادثه دچار اختلال شود.»

وی با یادآوری تجربه تاریخی دوران دفاع مقدس خاطرنشان ساخت: «در جریان جنگ تحمیلی و طی عملیات‌هایی مانند عملیات رمضان، ۲۳ هزار نقطه از کشور هدف بمباران قرار گرفت، اما روند کار، زندگی و اداره کشور متوقف نشد و به راه خود ادامه داد. وسعت جغرافیایی ایران بسیار بزرگ است و به همین دلیل، اتفاقاتی از جنس آنچه در چند روز گذشته در خزر رخ داد، به هیچ وجه نمی‌تواند خلل یا وقعه‌ای در روند کار و تجارت کشور ایجاد کند.»

خودرو

خبر روز

با وعده بانک مرکزی

تخصیص ارز به واردات

خودرو تسهیل می‌شود

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی از تسهیل فرآیند تخصیص ارز واردات خودرو و رفع چالش عدم بازگشت ارز صادراتی در جلسه مشترک دیروز این کمیسیون با رئیس بانک مرکزی خبر داد.

به گزارش کارنا، مصطفی پوردهقان در تشریح جزئیات نشست دیروز کمیسیون صنایع با رئیس بانک مرکزی اظهار کرد: «یکی از محورهای اصلی این جلسه، بررسی چرایی عدم تخصیص ارز به واردات خودروهای اقتصادی بوده است، چراکه وضعیت نامساعد منابع ارزی، هم‌اکنون به مهم‌ترین عامل محدودکننده در روند واردات خودرو تبدیل شده است.»

او افزود: «رئیس بانک مرکزی نیز در این نشست به صراحت اعلام کردند که دولت در مقطع کنونی با محدودیت‌های جدی در تأمین منابع ارزی مواجه است. به همین دلیل، اولویت‌بندی‌های بسیار سخت‌گیرانه‌ای در نحوه تخصیص ارز در دستور کار قرار گرفته است.»

این نماینده مجلس گفت: «در نهایت، با توجه به وعده رئیس بانک مرکزی، مقرر شد با پایش دقیق بازار، فرآیند تخصیص ارز به واردات خودرو تسریع شده و سازوکارهای اجرایی و فراقانونی آداری مربوط به واردات نیز تسهیل شود.»



کاهش قیمت پژو ۲۰۷، ری‌را، اطلس، تارا، فونیکس و خودروهای وارداتی در بازار

موج دلار به بازار خودرو نرسید

بازار خودرو

یاسمن صادقی شیرازی

گروه خودرو

بازار خودرو در شرایطی معاملات روزهای اخیر را پشت سر گذاشت که بازگشت قیمت ارز به مسیر صعودی، برخلاف انتظار، نتوانست موج تازه‌ای از افزایش قیمت را در بازار رقم بزند. اگرچه نوسانات ارزی در بازار آزاد همچنان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر قیمت خودرو به شمار می‌رود، اما واکنش بازار به این سیگنال یکپارچه نبود و تغییرات قیمتی در میان خودروها پراکنده و محدود باقی ماند. بررسی روند معاملات نشان می‌دهد که رکود همچنان بر بازار خودرو سایه انداخته است. در چنین شرایطی، بخش قابل توجهی از خریداران ترجیح می‌دهند تا روشن‌تر شدن وضعیت اقتصادی و منطقه‌ای تصمیم عمق رکود و کاهش تقاضا می‌تواند سرعت این انتقال را کاهش دهد. در مقابل، هرگونه ثبات در بازار ارز با بهبود چشم‌انداز سیاسی می‌تواند فشار افزایشی بر قیمت‌ها را محدودتر کند. در نتیجه، فعلاً نمی‌توان از یک‌روند مشخص و یک‌دست در بازار خودرو سخن گفت. قیمت‌ها در حال نوسان‌اند، اما بازار همچنان بیش از آنکه در مسیر حرکت باشد، چشم به آینده دوخته است.

آینده دوخته است. قیمت صفر پژو ۲۰۷ اتوماتیک TUSP، روز سه‌شنبه ۶ مرداد دو میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان تعیین شد. این خودرو روز دوشنبه ۵ مرداد دو میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان محاسبه شده بود. قیمت صفری را، ۱٫۷ لیتر توربو روز سه‌شنبه ۶ مردادماه سه میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان تعیین قیمت شد. درحالی روز دوشنبه ۵ مرداد ۳ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان قیمت داشت. قیمت صفر اطلس دنده‌ای تیپ GL، روز سه‌شنبه ۶ مرداد یک میلیارد و ۳۵۵ میلیون تومان محاسبه شد. این خودرو روز دوشنبه ۵ مرداد یک میلیارد و ۳۸۸ میلیون تومان قیمت داشت. و تحولات منطقه‌ای.



اگر قیمت ارز به افزایش خود ادامه دهد، احتمال انتقال تدریجی این رشد به قیمت خودرو وجود دارد، اما عمق رکود و کاهش تقاضا می‌تواند سرعت این انتقال را کاهش دهد. در مقابل، هرگونه ثبات در بازار ارز با بهبود چشم‌انداز سیاسی می‌تواند فشار افزایشی بر قیمت‌ها را محدودتر کند. در نتیجه، فعلاً نمی‌توان از یک‌روند مشخص و یک‌دست در بازار خودرو سخن گفت. قیمت‌ها در حال نوسان‌اند، اما بازار همچنان بیش از آنکه در مسیر حرکت باشد، چشم به آینده دوخته است.

آینده دوخته است. قیمت صفر پژو ۲۰۷ اتوماتیک TUSP، روز سه‌شنبه ۶ مرداد دو میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان تعیین شد. این خودرو روز دوشنبه ۵ مرداد دو میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان محاسبه شده بود. قیمت صفری را، ۱٫۷ لیتر توربو روز سه‌شنبه ۶ مردادماه سه میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان تعیین قیمت شد. درحالی روز دوشنبه ۵ مرداد ۳ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان قیمت داشت. قیمت صفر اطلس دنده‌ای تیپ GL، روز سه‌شنبه ۶ مرداد یک میلیارد و ۳۵۵ میلیون تومان محاسبه شد. این خودرو روز دوشنبه ۵ مرداد یک میلیارد و ۳۸۸ میلیون تومان قیمت داشت. و تحولات منطقه‌ای.

اگر قیمت ارز به افزایش خود ادامه دهد، احتمال انتقال تدریجی این رشد به قیمت خودرو وجود دارد، اما عمق رکود و کاهش تقاضا می‌تواند سرعت این انتقال را کاهش دهد. در مقابل، هرگونه ثبات در بازار ارز با بهبود چشم‌انداز سیاسی می‌تواند فشار افزایشی بر قیمت‌ها را محدودتر کند. در نتیجه، فعلاً نمی‌توان از یک‌روند مشخص و یک‌دست در بازار خودرو سخن گفت. قیمت‌ها در حال نوسان‌اند، اما بازار همچنان بیش از آنکه در مسیر حرکت باشد، چشم به آینده دوخته است.

آینده دوخته است. قیمت صفر پژو ۲۰۷ اتوماتیک TUSP، روز سه‌شنبه ۶ مرداد دو میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان تعیین شد. این خودرو روز دوشنبه ۵ مرداد دو میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان محاسبه شده بود. قیمت صفری را، ۱٫۷ لیتر توربو روز سه‌شنبه ۶ مردادماه سه میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان تعیین قیمت شد. درحالی روز دوشنبه ۵ مرداد ۳ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان قیمت داشت. قیمت صفر اطلس دنده‌ای تیپ GL، روز سه‌شنبه ۶ مرداد یک میلیارد و ۳۵۵ میلیون تومان محاسبه شد. این خودرو روز دوشنبه ۵ مرداد یک میلیارد و ۳۸۸ میلیون تومان قیمت داشت. و تحولات منطقه‌ای.

مرسدس بنز C کلاس برقی ۲۰۲۷ با برد حرکتی چشمگیر معرفی شد

این C کلاس با بقیه فرق دارد

ترجمه

گروه خودرو

می‌کند، سقف کشیده و فرم فست‌بک و قسمت انتهایی کوتاه، نشان می‌دهند با یک سدان معمولی طرف نیستیم. در مجموع، مرسدس سعی کرده بین ظاهر سنتی محصولات خود و ویژگی‌های ظاهری خودروهای برقی تعادل برقرار کند؛ رویکردی که به نظر می‌رسد برای C کلاس نتیجه بهتری داشته است.

۴۸۳ اسب‌بخار برای C400

C کلاس برقی در ابتدا با نسخه C400 چهارچرخ محرک عرضه می‌شود و نسخه تک‌موتوره C300 نیز بعداً به بازار خواهد آمد.

C400 به دو موتور برقی مجهز است که در مجموع ۴۸۳ اسب‌بخار قدرت و ۵۹۰ پوند‌فوت، معادل حدود ۸۰۰ نیوتن‌متر، گشتاور تولید می‌کنند. این قدرت کمی بیشتر از ۴۶۳ اسب‌بخار یا ۱3۰۰ کیلووات است و اختلاف آن با EQE350 دو موتور که تنها ۳۱۵ اسب‌بخار قدرت دارد، قابل توجه خواهد بود. مرسدس بنز اعلام کرده C400 می‌تواند در ۳٫۹ ثانیه از حالت سکون به سرعت ۹۶ کیلومتر بر ساعت برسد. این خودرو در رانندگی آزمایشی نیز شتاب بسیار خوبی از خود نشان داد و با فشاردن پدال گاز، تقریباً بلافاصله از خودروهای اطراف فاصله می‌گرفت.

برد بیش از ۷۶۰ کیلومتر

C400 به باتری ۹۴ کیلووات‌ساعتی مجهز شده است. برد رسمی آن طبق چرخه اروپایی WLTP به ۴۷۴ مایل یا حدود ۷۶۴ کیلومتر می‌رسد. با استاندارد آمریکایی EPA، برد این خودرو احتمالاً در محدوده ۴۰۰ مایل یا



دعوت به تماشای یک زندگی عجیب

گفت و گو با ابوالحسن تھامی درباره ترجمہ کتاب شور زندگی

ابوالحسن تهامی صدابپاشا، گوینده اتونس، مدیر دوبلاژ پیشکسوت و از مترجمان شناخته شده ادبیات در ایران است که نام او برای بسیاری از کتابخوانان با ترجمه های روان، دقیق و خوش خرم گره خورده است. او در میان مترجمانی قرار می گیرد که توانسته اند آثار مهم ادبی جهان را به فارسی منتقل کنند، بی آنکه از ارزش ادبی و لحن اصلی متن فاصله بگیرند. اهمیت تهامی فقط در انتخاب آثار برجسته نیست، بلکه شوره خرم باعث است تا آثارش برای خوانندگان نسل های مختلف جذاب و ماندگار بماند. یکی از ترجمه های او، کتاب «شور زندگی» اثر اریوینگ استون است؛ زبانی زندگینامه ای درباره ویلسون گرگوست که سال هاست یکی از مخاطبان فارسی زبانان محبوب و ویژه دارد. او ترجمه این کتاب توانسته رنج، شور، تنهایی و التهاب درونی نیکوکار را به گونه ای منتقل کند که خواننده فارسی زبان نه فقط با یک زندگینامه، بلکه با تجربه ای ادبی و عاطفی روبه رو شود. با این مترجم درباره ترجمه اش گفت و گو کردیم.

نویسند مترجم به جهان عاطفی و هنری یک متن گفت و گو کردیم.

چه شد که به ترجمه کتاب «شور زندگی» علاقه مند شدید؟ چه چیزی در آن شما را جذب کرد؟

انتشارات نگاه پیشنهاد ترجمه کتاب «شور زندگی» را به من داد. وقتی متن را نگاه کردم، لحن روایی کبریا آن و توصیف‌های ناباش از طبیعت، که چشم ذهن را به رنگ و طراوت صحنه‌ها باز می‌کرد، من را مجذوب کرد. نویسنده بسیار جالب و سادۀ این کتاب را نوشته بود، این جنبه ما فهمیم خوب، دلنشین و ناپیچیده. من مجذوب این کتاب و نثر آن شدم و این همین شد که ترجمه‌اش را قبول کردم.

از نظر شما هسته عاطفی کتاب «شور زندگی» چیست؟

این کتاب زندگی عاشقانه، شاعرانه و در عین حال جنون یک انسان معصوم را روایت می‌کند، انسانی که ستاره اقبال سُوخته است. همین ویژگی‌ها باعث می‌شود خواننده شریک همه لحظات تارک و روشن، شادی و ناشادی شخصیت داستان و روایت پیش رویش شود.

«شورزندگی» را بیشتر یک اثر ادبی داستانی می بینید یا سندی از یک

جهان بینی و زیست؟

«شور زندگی» در واقع یک زندگینامه محسوب می‌شود. این زندگینامه براساس نامه‌نگاری دو شخصیت اصلی این داستان یعنی ولسون و گوگ-تقاش معروف هندی- و برادرش تون و گوگ نوشته شده است. این نامه‌ها را ابروینگ استون پیدا کرده و با تخیل یونسفندی خودش در هم آمیخته و این کتاب را نوشته است. او اثری را به چاپ رسانده که در نظر من، جزو کتاب‌های بی‌ظنیر به حساب می‌آید. این کتاب نه از لحاظ ادبی بلکه به لحاظ زندگینامه نویسی، یک شاهکار است.

فکر می کنید مهم ترین ویژگی این اثر برای خواننده امروز فارسی زبان چیست؟

ماجراهای زندگی و نسلان و نوگد در اروپایی قرن نوزدهم رخ می دهد؛ فرتی که با دیداری نقاشی راه و نویسنده های بزرگ گره خواننده، به نظر می خورده، خواننده آنها را زمانی که با این ناآموختن دنیای هنرشناس می خواند، دلی می خواهد دیدن آنها را ببیند. وقتی با چنین داستان هایی با به دنیای این هنرمندان بزرگی می گذارد، به فضایی دعوت می شود که برایش تاریک دارد. خواننده در ادامه به این درک می رسد که انسان های نامدار و شخصیت های بزرگ دارای همان خصوصیاتی هستند که انسان های معمولی هم، آنها را دارند.

چه ویژگی‌ای مخاطب را به کتاب جذب می‌کند؟

شخصیت‌پردازی خیلی مهم است. واقعی بودن شخصیت‌ها بیشتر از داستان‌های تخیلی روی خواننده اثر می‌گذارد. مخاطب وقتی بداند که اتفاقات داستان واقعاً در زندگی یک یا چند انسان دیگر اتفاق افتاده است، بیشتر مجذوب آن کتاب می‌شود و با شخصیت‌هایش ارتباط بهتری برقرار می‌کند.

خواندن این کتاب راه چه مخاطبانی، توصیه می‌کند؟

کتاب «شور زندگی» به نظر من برای همه خوانندگان و کتاب‌دوستان به استثنای کودکان، مناسب است. برای نوجوانان و جوانان کتاب بسیار خوبی به شمار می‌رود، چرا که مقاومت و خستگی‌ناپذیری در راه رسیدن به هدف را برای مخاطب توصیف و آن را ساده‌پوش می‌کند. این کتاب برای این رده سنی، آموزنده، مفید و تأثیرگذار خواهد بود.

شور زندگی در میان ترجمه‌های شما چه جایگاهی دارد؟

شور بعد از ترجمه کتاب، ناشر به من اطلاع داد که خوانندگان ترجمه را دوست داشتند و به آن روی خوش نشان دادند که این برایم باعث افتخار است. به گفته ناشر، فروش این کتاب رو به رشد است و من از توجه خوانندگان سپاسگزارم. امیدوارم روز به روز خوانندگان بیشتری به کتابخوانی روی بیاورند و سرانه مطالعه کتاب در جامعه افزایش پیدا کند.

چالش و دشواری حین ترجمه این کتاب داشتید؟ دشوارترین بخش ترجمه

آن برای شما چه بود: **لحن**، واژگان، ریتم نثر یا فضای عاطفی آن؟

ایروینگ استون متنی ساده را برای روایت خود برگزیده بود. من تاکنون نزدیک به ۲۷ یا ۲۸ کتاب ترجمه کرده‌ام و می‌دانم که نشر هر کتاب با کتاب دیگر واقعاً متفاوت است. نویسنده برای شخصیت‌های این کتاب، **لحن**‌های متفاوت به کار برده

است. من هم به تبع او، لحن‌های متفاوتی برای شخصیت‌ها در نظر گرفتم. مثلاً، مردد و الاقوامی در کتاب وجود دارد که به اصطلاح اسقف خوانده می‌شود. اسقف به فردی می‌گویند که آخرین مراحل ادبیات دینی را پیموده و راه سخنی هم که می‌گوید شنیده است و آن را به بی‌خبرانی کلام‌ها بیان می‌کند. در کنار چنین شخصیتی در داستان، کارگران معدن هم هستند. بیان و لحن هر کدام از این شخصیت‌ها در داستان‌ها دیگری متفاوت است، بنابراین در ترجمه هم این شیوه حفظ شد.

به عنوان مترجم، چقدر اجازه می‌دهید زبان شخصی‌تان وارد متن شود؟
در ترجمه همیشه سعی کردم تحت تأثیر نگارش نویسنده باشم. در واقع آینه‌دار
نثر نویسنده هستم. در نتیجه از خودم کلمه یا جمله‌ای به متن داستان اضافه
نمی‌کنم. گفته‌های نویسنده را به سلیقه خود ترجمه می‌کنم ولی در نهایت
کلام نویسنده است که از ذهن من گذشته و به فارسی برمی‌گردد.

بیشتر به سراغ چه کتاب‌هایی می‌روید و باید چه ویژگی‌ای داشته باشند که شما را جذب کنند؟

به سراغ کتابی برای ترجمه می‌روم که جالب باشد و داستان خوبی را روایت کند، داستانی که مردم به چشیدنش علاقه پیدا کرده و به یکدیگر معرفی کنند. بسیاری از داستان‌ها هستند که چنین کششی را در مخاطب ایجاد نمی‌کنند. کتاب باید در وهله اول امن را جذب خودش کند تا توانم آن را به فارسی برگردانم. کتابی را باید به گونه‌ای باشد که به خاطر جذابیت‌های داستانی‌اش، توانم آن را روی زمین بگذارم. وقتی چنین ویژگی‌ای داشته باشد، طبیعتاً خواننده هم جذب آن خواهد شد. باید از آن کتاب خوشم بیاید؛ به بیان ساده، گریه کنم و تحت تأثیر افراز و فرودهای داستان قرار بگیرم. در ادامه هم به این باور برسم که خواننده ایرانی هم این کتاب را همانند من خواهد پسنید.



نگاهی به زیست جهان و نسان و ن گوگ در سالروز درگذشتش و به مناسبت تجدید چاپ ترجمه شور زندگی

تا بتواند حقیقتی، انسانی، را از خلال روایت آشکار

پیش از آنکه به جهان پرآشوب و درخشان نقاشی‌های نوسان نو گوگ (۱۸۹۰-۱۸۵۲) قدم بگذاریم، شاید بد نباشد درخت کتیبه و به کتابی ببیند بشویم که برای چند نسل از خواننده‌ها، اولین «دراز» و رد به زندگی او بوده است؛ کتاب آشور و زندگی» (۱۹۳۴) اثر اریوینگ استون (۱۹۸۹-۱۹۳۰).

خوانش این رمان، فراخوان و فرصتی است برای بازخوانی سرگذشت مردی که در تمام عمرش تنها یک کتاب فروخت، اما امروز آتش از گرنه‌های این سرمایه‌های تاریخ هنر به شمار می‌آیند. با این همه، پرسش مهم این است که آیا «شور زندگی» ما را به خود-نو نگه داشته می‌کند یا بیش از آنکه تصویری از او ارائه دهد، افشانه‌ی مرد درباره هنر می‌آورد؟

این پرسش، تنها درباره یک کتاب نیست؛ بلکه به شیوه‌های زبانی‌پرد کردن فرهنگ مدرن، زندگی هنرمندان را روایت می‌کند. از سده نوزدهم به این سو، زندگی‌نامه‌های ادبی و زمان‌های مبتنی بر شخصیت‌های تاریخی، سهم بزرگی در شکل دادن به حافظه جمعی داشته‌اند. بسیاری از مخاطبان آثار هنری، پیش از آنکه اسناد تاریخی را بخوانند، شخصیت‌های تاریخی را از خلال روایت‌های ادبی می‌شناسند. در نتیجه، آنچه در ذهن باقی می‌ماند، نه همیشه چهره تاریخی افراد، بلکه تصویری است که ادیبان از آنها ساخته‌اند. نه گویگ نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای میلیون‌ها خواننده در سراسر جهان، اولین و گویگ که شناخته‌اند، نه نقاشی است، بلکه در نامه‌هایش درباره نسبت رنگ‌های مکمل با تأثیر چاپ‌های ژاپنی می‌اندیشد، بلکه قهرمان ترازویی است که اربوبیت استون با مهارت داستان‌پردازانه خود آفریده است.

در همین روزها، بازخوانی امروزین «شور زندگی» تنها بازخوانی یک رمان موفق نیست؛ بلکه بازاندیشی در یکی از تأثیرگذارترین روایت‌های سده است که هنرمند در فرهنگ معاصر ساخته شده است.

این کتاب، خواه بخوایم و خواه نخواهیم، در شکل دادن به تصور عمومی از نوع و گفتمانی که در ذهن ما ریشه دارد، نقشی تعیین‌کننده داشته است. حتی بسیاری از کسانی که هرگز این رمان را نخوانده‌اند، تصویری از نوع و گفتمانی که در ذهن دارند که به واسطه نفوذ همین کتاب و اقتباس سینمایی مشهور آن، به حافظه فرهنگی جهان راه یافته است. می‌تربد این توان اهمیت این کتاب را انکار کرد. اریونگ استون با تکیه بر نامه‌های نوع و گفتمانی مکاتبات مشاطی و به یادداشت‌های روایتی، پرسش، انسانی و منطقی خلق کرده است که میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان با زندگی این نقاش آشنا کرده است. ژورن، ضرابخانه داستانی، قصه‌پردازی مؤثر و توانایی پیوسته در تبدیل اسناد تاریخی به روایتی خواندنی، از مهم‌ترین دلایل ماندگاری این اثر است. برای بسیاری از مخاطبان، نوع و گفتمانی که در کتاب‌های تاریخ هنر، بلکه از خلال همین رمان به شخصیتی زنده و ملموس بدل شده است، انسانی که با فقر، شکست، عشق، ایمان، تنهایی و بیماری دست‌و‌پنجه نرم می‌کند و در نهایت جان خود را در هنر می‌گذارد.

یکی از مهم‌ترین امتیازهای استون، آن است که هرگز خواننده را بر زبانِ انبوه اطلاعات تاریخی رها نمی‌کند. او اسناد را به ماده خام روایت تبدیل می‌کند و از دل نامه‌ها، سفرها و خاطرات، داستانی می‌آفریند که ضرابک و ششش خود را تا پایان حفظ می‌کند. در اینجا، یونسفنده بهین از آنکه مورخ باشد، رمان‌نویس است و همین ویژگی سبب شده است «شور زندگی» بر خلاف بسیاری از زندگینامه‌های مستند، همچنان خواننده شود و نسیا، هار، تانه ناز، انباط بقدر آتند. اس-

توانایی در روایت، بی‌شک دستاوردی ادبی است و نباید در سایه نقدهای جدی نادیده گرفته شود. از سوی دیگر، باید آذغان کرد که استون در فضاسازی، بی‌موقف عمل می‌کند. هکده‌ها می‌تواند پلاژی، خیابان‌های پاریس، شش‌های آل و آسایشگاه‌های سن پیر و رمان او، صرفاً پس زمینه واقع نیستند، بلکه بخشی از شخصیت داستان به شمار می‌آیند. خواننده احساس می‌کند همراه و ن‌گوگ در این مکان‌ها زندگی می‌کند، سرما و گرسنگی را تجربه می‌کند و آرام‌آرام به جهان درونی او نزدیک می‌شود. این قدرت نفس‌نوسازی، یکی از دلایل محبوبیت و پایداری کتاب است و نشان می‌دهد استون به امکانات زبان ادبی برای بازآفرینی فضاها آگاهی کامل داشته است. اما درست در همین نقطه است که باید با نگاهی انتقادی نیز به کتاب نگریست. «شور و زنگی» بیش از آنکه یک پژوهش تاریخی یا تحلیلی درباره هنر و ن‌گوگ باشد، یک رمان زندگینامه‌ای است. رمان، هر اندازه هم بر اسناد متکی باشد، ناگزیر از تخیل، شخصیت‌پردازی و دراماتیزه کردن است. استون که هکده‌ها را با تخیل خود پر می‌کند، گفت‌وگوهای می‌آفریند که هرگز ثبت نشده‌اند و انگیزه‌هایی را به شخصیت‌ها نسبت می‌دهد که نمی‌توان با فاطمیت تاریخی از آنها فاصله گرفت. از این رو، خواننده باید همواره میان «ن‌گوگ تاریخی» و «ن‌گوگ ادبی» تمایز قائل شود. در واقع، استون خود نیز هرگز آگاهانه خود را نویسنده زندگینامه‌ای یا زندگینامه‌ای به‌عنوان دقیق کلمه ندانسته است. او در سستی قلم می‌زند که در ابیات انگلیسی از آن به عنوان Biographical Novel



رمان، ناگزیر است علت‌ها و معلول‌ها را روشن‌تر از آنچه در زندگی واقعی‌اند، نشان دهد. در رمان، هر چقدر که بیان به پیشبرد روایت کمک کند و هر شخصیت زنجار نقد و قضاوت معین در تحول قهرمان داشته باشد. زندگی واقعی، چنین نظم داستانی‌ای ندارد. بسیاری از تصمیم‌های او، بی‌سبب و بی‌فایده است. او و حتی کسانی که او را دوست، یار و یارو، دوستی و دشمنی او را به‌همه با یکدیگر می‌اندازد. تاریخ، همیشه پاسخ‌خوشی در اختیار ما نمی‌گذارد، آن‌که آثار اغلب ناچار است به‌جای توضیح یا باورپذیری تاویلات از حرکت بازایستد. این تفاوت ساختاری، یکی از مهم‌ترین فاصله‌های میان حقیقت تاریخی و حقیقت ادبی است.

نویسنده، سبک را با استنباط آن اندازه‌ای در دام رمانتیسیم درپیا گرفتار می‌شود؛ همان‌طوری که هنرمند را مجبور می‌کند استثنائی، منزوی و بی‌عاری جامعه تصویر می‌کند. این تصویر، هرچند بخشی از حقیقت را بازتاب می‌دهد، اما تمام حقیقت نیست. من کوگک تنها نبود؛ او در شبکه‌ای از روابط با نقاش‌های معاصر خود، با گالری‌ها، با جریان‌های هنری و با پدرش تون زندگی می‌کرد. هر سر او محصول خلأ نبود، بلکه در گفت‌وگو و مداوم با فرهنگ بی‌تابانه‌اش شکل گرفت. کوگک بیش از اندازه بر مانع‌های ذهنی او بیشتر فرهنگی و تاریخی را از دید خواننده پنهان می‌کند. در این میان، نقش تون نیز در رمان، اگرچه حضور پررنگ و عاطفی دارد، اما گاهی بیش از اندازه، نقش درباری دراکار فرافراسته می‌شود. این تون، از نظر عاطفی و مالی مهم‌ترین تکیه‌گاه و پسان بود، اما او در عین حال یکی از فلافل‌خرفه‌ای بازار نیمه رایس، نیمه شام و نیمه شام

می‌رفت و ارتباط نزدیکی با جریان‌های نوین نقاشی داشت. بسیاری از آشنایان‌های ونسان با هنرمندان معاصر، نمایشگاه‌ها و تحولات بازار هنر، از رهگذر همین ارتباط شکر گرفت. بنابراین، رابطه‌ی این دو برادر تنها رابطه‌ی خانوادگی نبود؛ بلکه نوعی مشارکت فکری و هنری نیز به‌شمار می‌آمد که در فهم مسیر حرفه‌ای ون‌گ و اهمیت فراوان دارد. همچنین، استون کمتر به این واقعیت پی‌برد که ون‌گ، با وجود همه استقلال روحی‌اش، پیوسته در حال آموختن از دیگران بود. او شخصه‌پردازی می‌کرد، آثار اساتید را مطالعه می‌کرد، درباره نقاشی بحث می‌کرد و بارها شروع کار خود را تغییر داد. این تصویر، با تصور رایج

پژوهشی. از حیث ادبی، «شور زندگی» هنوز یکی از موفق‌ترین آثارهای زندگی‌نامه‌ای است. به‌سیاست: راست: برای پرکشش، اسامی و شمارش از خطه‌های به‌یادماندنی، اما از حیث پژوهشی، امروز دیگر نمی‌توان آن را مرجع اصلی شناخت و نگویند. دانست. در کنار این رمان، باید به نام‌های خود و نگویند. پژوهش‌های جدید تاریخ هنر و مطالعات انتقادی معاصر نیز مراجعه کرد. تنها از نظر نگارگری‌های این منابع است که می‌تواند به تصویری چندبعدی از این هنرمند بزرگ دست یابد. این رمان به‌سراغ نقاشی‌های او می‌گردد. هر یک از این جزیست‌و‌تجزیه‌های او را آثارش، بلکه برای کشف این حقیقت شگفت که چگونه اسامی نوانست با رنگ و نور، جهانی به‌یادماندنی می‌تواند اختراع کرده باشد، و شوق زیستن را در عمیق‌ترین لایه‌های وجود ما پدید آورد. شاید بزرگ‌ترین خدمت او به‌یادماندنی، با هم کاشی‌های او را تاریخ و

تو همین منظر، شاید بتوان مهم‌ترین تفاوت میان رمان‌های استخوان و روشنی‌ها را معارضا در نوع سببشانی اخلاصه کتب، استون عمدتاً می‌تواند بر سر برون‌گویی چه آمده؟ اما تاریخ‌ها بر امروز بیشتر می‌پرسد که این دو گوی چگونه می‌پرسد؟ پرسش اول، زندگی را در مرکز قرار می‌دهد؟ پرسش دوم، از هنری



باید میان ارزش ادبی و ارزش پژوهشی تمایز بگذاریم؛ از حیث ادبی، «شور زندگی» اثر ایروینگ استون هنوز یکی از موفق ترین رمان های زندگینامه ای سده بیستم

است؛ روایتی
پرسشش،
انسانی و سرشار
از لحظه‌های
به‌یادماندنی.
اما از حیث
پژوهشی، امروز
دیگر نمی‌توان
آن را مرجع
نهایی شناخت
و نگوئیم دانست.
در کنار این
ایمان، باید
به‌نامه‌های
خود و نگوئیم،
پژوهش‌های
جدید تاریخ
هنر و مطالعات
انتقادی معاصر
نیز مراجعه کرد



ایران

هم افزایی فرهنگی؛ مسیر تازه برای رشد و بهره‌وری

رفع موانع موجود در حوزه کسب‌وکارهای فرهنگی، بازنگری در رویه‌های ممیزی و کنار گذاشتن الگوهای کهنه و منسوخ، می‌تواند زمینه‌ساز بالندگی و شکوفایی این بخش باشد. تا زمانی که این موانع وجود داشته باشد، روند فعالیت‌ها با دشواری و کندی مواجه خواهد بود. استقرار فعالان فرهنگی در یک محیط مشترک، زمینه‌ساز هم‌افزایی، تبادل تجربه و همکاری‌های متقابل می‌شود و از سوی دیگر، روحیه نشاط و انگیزه را در میان آنان افزایش می‌دهد. حضور در یک فضای جمعی موجب ارتقای بهره‌وری، افزایش راندمان و اثربخشی بیشتر فعالیت‌ها خواهد شد.

صحبت‌های حسین انتظامی معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جریان بازدید از انتشارات علمی و فرهنگی

نقل قول

نگاهی به سریال‌های «هزار و یک شب» و «بدنام» از منظر عاملیت و کنشگری زنان در گفت‌وگو با زهرا اردکانی

زن غایب در میان زنان حاضر



گفت‌وگو

نگرش عاشوری

گروه فرهنگی

تصویر زنان در شبکه نمایش خانگی، بر سر و صدا اما دور از واقعیت است؛ قاب‌هایی شلوغ از زنانی که مدام در تصویر حضور دارند، اما خود واقعی‌شان در روایت‌ها غایب‌اند. در این آثار، زن‌ها معمولاً در دوگانه تکراری «فریانی» یا «انتقام‌جو» تعریف‌می‌شوند و جایی برای نمایش آن زن پرتلاش و سازنده‌ای که امروز در لایه‌های مختلف جامعه می‌بینیم، وجود ندارد؛ زنی که پایه‌ای مردان حرکت می‌کند و با مقاومت‌های روزمره و نرم، زندگی‌اش را پیش می‌برد.

در این گفت‌وگو با زهرا اردکانی، مدرس و پژوهشگر رسانه و زنان و مدیر کارگروه زنان و جوانان معاونت راهبردی ریاست جمهوری، به نقد و بررسی همین شکاف و نحوه بازنمایی زنان در سریال‌های شبکه نمایش خانگی بویژه «هزار و یک شب» و «بدنام» پرداخته‌ایم.

یکی از ویژگی‌های «هزار و یک شب» این است که چند زن متفاوت را کنار هم می‌گذارد: آشیان، نیلوفر، سارا پریزبان، فرشته و دختران گمشده؛ اما هر کدام در روایت‌ها ریاست جمهوری، به نقد و بررسی همین شکاف و نحوه بازنمایی زنان در سریال‌های شبکه نمایش خانگی بویژه «هزار و یک شب» و «بدنام» پرداخته‌ایم.

همان‌طور که در خود پرسش‌ها هم اشاره شد، در «هزار و یک شب» با تعداد نقش‌های زنانه روزمره هستیم؛ کاراکترهای زن زیادی در سریال حضور دارند و مسأله اصلی این است که آیا این حضور، واقعاً به نقش مؤثر و عاملیت زنانه منجر می‌شود یا نه. به همین دلیل، به نظر من بهتر است ابتدا هر یک از این زنان را جداگانه ببینیم و بررسی کنیم که «هزار و یک شب» آنها را چگونه بازنمایی می‌کند و چه تیپ‌هایی از زنان را پیش‌رو می‌مخاطب می‌گذارد. اولین کاراکتر مهم، نیلوفر است که ظاهر آن زن اصلی داستان هم محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد نغمه نمایی در طراحی این شخصیت، تاحدی که قصد خودکشی داشته‌اند. راز بازنگار آن‌ها؛ بویژه اینکه اساساً خود فیلم به هر مدار شهزاد قصبه‌گو نباشد و طبیعی است که میان این دو شخصیت همپوشانی‌هایی شکل بگیرد. حتی چیدمان روابط نیلوفر نیز بسیار شبیه الگویی است که در سریال‌های دیگر دیده بودیم؛ یعنی زنی که دو مرد جوان و یک مرد مسن عاشق او هستند. اما مسأله اینجا نیست که نیلوفر، برخلاف شهزاد (ترانه علی دوستی در سریال حسن فتحی)، اساساً آن شخصیت کارزماتیک نیست که بتواند قدرت، اقتدار و لطافت و محبت را به‌صورت متعال در خود جمع کند؛ شخصیتی که برای مخاطب توضیح دهد چرا سه مرد در سنین و موقعیت‌های متفاوت عاشق او شده‌اند. فیلم می‌خواهد بار اصلی حل مسأله داستان را بدوش این زن بگذارد؛ یعنی همان شهزاد

این روایت که قرار است با قصه‌گویی یا با کنش‌های زنانه‌اش، پادشاه را شاد کند. اگر پادشاه رانمادی از یک ساختار در نظر بگیریم، فیلم انگار می‌خواهد بگوید این کنش زنانه‌است که می‌تواند ساختار و حتی کشور را تغییر دهد. اما در عمل، این ایده در شخصیت‌پردازی نیلوفر محقق نمی‌شود. حتی انتخاب بازیگر نیز چنان نیست که این ظرفیت را به‌درستی منتقل کند. مخاطب در این کاراکتر، بیشتر با دختری ضعیف، درمانده و نحیف مواجه می‌شود. حتی در نیمه دوم، زمانی که قرار است از این ضعف عبور کند و به نوعی به قدرت برسد، باز هم میمیک صورت و کیفیت بازی او چنان خسته و کم‌جان است که مخاطب احساس نمی‌کند با شخصیتی طرف‌است که بتواند آن اصراح بزرگ را رقم بزند. از این مهم‌تر، خود سریال هم در ادامه مسیرش رانقبیه می‌دهد. در چهار پانچ‌قسمت پایانی، به‌جای آنکه اصلاح ساختار و شقای زنانه را از مسیر همان قصه‌گویی و عاملیت زنانه پیش ببرد، داستان را به سمت جنگ و مواجهه‌ای نظامی می‌برد؛ مواجهه‌ای را باست جمهوری، به نقد و بررسی همین شکاف و نحوه بازنمایی زنان در سریال‌های شبکه نمایش خانگی بویژه «هزار و یک شب» و «بدنام» پرداخته‌ایم.

این نکته را آگاه به چند صدایی زنانه منجر شده یا بیشتر یا چند تیپ متنوع رویه و هم هستیم که هنوز عمق روانی و اجتماعی مستقل پیدا نکردند؟

نکته مهم درباره «هزار و یک شب» این است که زن‌ها فقط در نسبت با مرد‌ها تعریف نمی‌شوند، اما همچنان قصه در چند جا آن‌ها را در مدار بحران نگه می‌دارد. آیا این سریال توانسته زن را از موقعیت واکنشی بیرون بیاورد و به او کنش مستقل بدهد یا همچنان بحران مردانه موتور اصلی پیش‌برنده روایت است؟

متأسفانه به نظر من «هزار و یک شب»، با وجود تعدد زنان در قاب تصویر، همچنان اثری است که خط داستانی‌اش را بیشتر کاراکترهای مرد پیش می‌برد. در واقع این مردان هستند که کنش اصلی را انجام می‌دهند. درست است سوزهای که برای آن کنش می‌کنند یک زن است؛ برای مثال نیلوفر در مرکز ماجرا قرار دارد، اما داستان و جهت‌گیری اتفاقات را در نهایت مردان رقم می‌زنند. از این منظر، به نظر من با اثری مواجه هستیم که همچنان مختصات یک روایت مردانه را حفظ کرده است. نیلوفر بویژه در پایان‌بندی فیلم و در روایت شهزاد و ملک جوانیخت هم مشهود است؛ جایی که برخلاف الگوی داستان قدیمی، شهزاد نمی‌تواند نقش تعیین‌کننده خود را ایفا کند و در نهایت این زنان است - یعنی باز هم یک کاراکتر مرد- که در جایگاه قهرمان و پیروز داستان قرار می‌گیرد. بنابراین، بله، به نظر من زن در این فیلم، بی‌آنکه بیشتر در موقعیت سوزه حرکت کاراکترهای مرد

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

• **مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران**

• **رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری

• **مدیرعامل:** علی متقیان

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **فامبر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰

• **پيامک:** ۰۳۰۴۵۱۲۱۳ • **روابط عمومي:** • **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۳۸

• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندۀ گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• **بذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳



روایت «شهاب حسینی» از «درختان کهنسال ایران»

اکران آنلاین مستند «درختان کهنسال ایران» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی حمید کرلی و با روایت شهاب حسینی چهارشنبه ۷ مردادماه در پلتفرم هاشور آغاز می‌شود. این اثر که با روایت لطیف و شاعرانه شهاب حسینی همراه است، تلاشی برای معرفی و بررسی جامع، علمی و جذاب درختان کهنسال ایران به شمار می‌رود و با ارائه تصاویری کمتر دیده‌شده و اطلاعات مستند، مخاطبان را با یکی از ارزشمندترین میراث‌های طبیعی کشور آشنا می‌کند. **ایرنا**



نقش آفرینی «مارتین اسکورسیزی» در «ترکیب خانوادگی»

کارگردان سرشناس و افسانه‌ای سینما، صدلی کارگردانی را رها کرده تا در برابر دوربین و در کنار دخترش در یک مینی سریال تبلیغاتی پنج‌قسمتی ایفا نقش کند؛ پروژه‌ای که با حضور افتخاری بازیگرانی چون جیسون بیگز و ادرین برودی همراه است. مارتین اسکورسیزی برای ایجاد تنوع، مدتی از صدلی کارگردانی فاصله گرفته تا جلوی دوربین برود. او در مینی سریال تبلیغاتی جدید برند لائوتاز با عنوان «ترکیب خانوادگی» که در ستایش «جادوی قهوه» ساخته شده، به ایفا نقش پرداخته است. **خبراتلانتین**



رشد اطرافیان‌ش و رشد جامعه‌اش تلاش می‌کند؛ یعنی عاملیت او صرف ساختن می‌شود، نه صرف انتقام، تخریب یا ازین‌بردن دیگران. احساس من این است که این نوع زن کنشگر هنوز در شبکه نمایش خانگی غایب است. دست‌کم من، با توجه به اینکه تقریباً همه سریال‌ها را دنبال می‌کنم، هنوز با شخصیتی مواجه نشده‌ام که مانند یلدا به‌شدت کنشگر و مؤثر در زندگی خود و دیگران باشد و درعین حال، نقشی سازنده‌ایفا کند.

در هر دو سریال، بویژه «هزار و یک شب»، زن‌ها در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که باید بین انتخاب شخصی، فشار روابط و منطق قدرت حرکت کنند. به نظر شما این موقعیت‌ها به شناخت دقیق‌تری از زن امروز نزدیک‌اند، یا هنوز درام‌ایران در نشان دادن زن، بیش از حد به الگوهای آشنا و تکرار شونده تکیه می‌کند؟

به نظر من، در سریال «هزار و یک شب» زن آن‌طور که باید و شاید کنشگر نیستند و همان‌طور که گفتیم، بیش‌ترین مردان هستند که قصه را پیش می‌برند. اگر هم زنان در مقاطعی دست به انتخاب می‌زنند، این انتخاب‌ها غالباً در قالب نقش‌های کلیشه‌ای‌شان، مانند نقش عاشق یا معشوق، تعریف می‌شود و از همان محدوده فراتر نمی‌رود. در سریال «بدنام» نیز، اگرچه فکر می‌کنم تصویر نسبتاً خوبی از عاملیت و کنشگری زن ارائه می‌شود، اما همان‌طور که اشاره کردم، این عاملیت عمدتاً در خدمت انتقام‌گیری قرار می‌گیرد. به همین دلیل، در پاسخ به پرسش شما باید بگویم که خیز، مآل تنوع، ظرافت و تنگنری را که در کنشگری و عاملیت زنان امروز ایران وجود دارد، در این آثار نمی‌بینیم. در جامعه امروز ایران زنانی را نمی‌بینیم که بسیار جنگجو و پرتلاش هستند، برای اهداف خود می‌جنگند، اما این کار را با فرم‌های نرم‌تر و با مقاومت‌های روزمره انجام می‌دهند. آنها در زندگی روزمره‌شان تغییر ایجاد می‌کنند و عاملیت خود را به تدریج توسعه می‌دهند. این ظرافت‌ها، که در واقعیت اجتماعی زنان ما کاملاً قابل مشاهده‌است، به نظر من در فیلم‌ها و سریال‌های ما بازنمایی نمی‌شود.

شما پیش‌تر درباره سریال «هفت» هم به نوعی توازن در میدان دادن به زن و مرد اشاره کردید. آیا این الگویی توانده معیاری باشد برای سنجش اینکه یک سریال فقط زن دارد یا یا قافاز زن را به عنوان شخصیت کامل می‌سازد؟ این منظر، «هزار و یک شب» و «بدنام» کجای این طیف می‌ایستند؟

به نظر من یکی از مؤلفه‌هایی که در سریال‌ها و فیلم‌ها من بسیار کم دیده می‌شود، نگاه برابر به زن و مردان است؛ یعنی اینکه شما در یک اثر بتوانید زن‌ها و مردهایی را ببینید که به یک اندازه توانمند، قدرتمند، مؤثر و دارای عاملیت باشند. این ویژگی را تقریباً در ۹۹ درصد فیلم‌ها و سریال‌هایمان نمی‌بینیم. شاید از معدود آثاری که این توازن را به شکلی بسیار متعادل در آنها دیده‌ام، سریال «هفت» و همین‌طور یک سریال قدیمی‌تر از همین کارگردان (کیارش اسفندیار)، یعنی «کرکدن» بوده است. در این آثار، چند کاراکتر زن و مرد حضور دارند که پایه‌ای هم داستان را پیش می‌برند، هم‌زمان با هم کنش می‌کنند و شما آن برتری‌ای را که معمولاً در کاراکترهای مرد سایر سریال‌ها می‌بینید، در اینجا مشاهده نمی‌کنید. این همان چیزی است که در اغلب فیلم‌های ما غایب است و من فکر می‌کنم باید به این سمت حرکت کنیم؛ چون واقعیت جامعه این است که زنان امروز واقعاً پایه‌ای مردان تلاش و حرکت می‌کنند، به خانواده و به خودشان یاری می‌رسانند، اما تصویری که در فیلم‌های ما ارائه می‌شود، همچنان تصویری نابرابر است و زنان در آن اغلب به صورت کلیشه‌ای بازنمایی می‌شوند. از این منظر، «هزار و یک شب» بیشتر در بخشی از این طیف قرار می‌گیرد که در آن زن حضور دارد، اما الزاماً به عنوان یک شخصیت کامل و هم‌وزن مرد ساخته نمی‌شود. «بدنام» از این جهت یک گام جلوتر است، چون یلدا واقعاً کنشگر و پیش‌برنده روایت است، اما این اثر هم هنوز به آن توازن و نگاه برابر که مدنظر من است، به‌طور کامل دست پیدا نمی‌کند.



با این رمزنامه

متن کامل گفت‌وگو را بخوانید.



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



امام سجاد(ع)؛

دعا، بلایی که نازل شده و بلایی را که هنوز نازل نشده است، دفع می‌کند.

الکافی، ج ۲، ص ۴۶۹



«محمد میرزمانی» آهنگساز مستند «حال خونین دلان ۲» شد

محمد میرزمانی آهنگساز مستند سینمایی «حال خونین دلان ۲، پهلوان جهان» به کارگردانی بهروز افخمی و تهیه‌کنندگی میثم کریمی را برعهده گرفت. مستند سینمایی «حال خونین دلان ۲، پهلوان جهان» دنباله‌ای بر مستند شناخته‌شده «حال خونین دلان» است که بهروز افخمی یک سال پس از اترحال امام خمینی (ره) ساخت. این اثر تازه، با محوریت مراسم تشییع رهبر شهید، روایتگر حضور علاقه‌مندان و دلدادگان غییرایرانی از کشورهای مختلف جهان است که برای شرکت در این آیین به ایران سفر کرده‌اند. **اِلینا**

تحلیل فرهنگی روز

رضاضمانی

دبیر گروه فرهنگی

درباره یک انتصاب هوشمندانه هنری

اعتماد به یک سرمایه فرهنگی



در مدیریت رویدادهای هنری، گاهی یک انتخاب، فراتر از یک انتصاب اداری، حامل یک پیام است؛ پیامی درباره اینکه مدیران فرهنگی چگونه به هنر نگاه می‌کنند و چه نسبتی میان تجربه، اعتبار و مسئولیت‌قائل هستند. انتخاب مرضیه برومند به‌عنوان دبیرسوی ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان از همین جنس است، تصمیمی که بیش از آنکه یک جابه‌جایی مدیریتی باشد، می‌تواند نشانه بازگشت به اصل مهم شایسته‌سالاری در عرصه فرهنگ تلقی شود.

تئاتر کودک و نوجوان، شاید بیش از هر شاخه دیگری از هنر نمایش، نیازمند مدیرانی است که جهان کودکی را نه از پشت میزهای اداری، بلکه از دل تجربه زیسته بشناسند. این حوزه، قلمرو تخیل، ظرافت، روان‌شناسی و مسئولیت فرهنگی است و هر تصمیمی در آن، به نوعی با آینده فرهنگی جامعه‌گره می‌خورد. از همین رو، سپردن سکان این جشنواره به هنرمندی که بخش مهمی از زندگی خود را صرف خلق جهان‌های ماندگار برای کودکان کرده، انتخابی منطقی و امیدوارکننده‌است. مرضیه برومند از معدود هنرمندانی است که نامش تنها یادآور چند اثر موفق نیست، او بخشی از خاطره مشترک چند نسل از ایرانیان است. شخصیت‌هایی که خلق کرده و روایت‌هایی که ساخته، صرفاً سرگرمی نبوده‌اند؛ آنها حامل نوعی تربیت فرهنگی، احترام به تخیل و گفت‌وگو با کودک بودند. برومند در تمام این سال‌ها نشان داده است که کودک را مخاطبی جدی می‌داند؛ انسانی که باید با او صدقانه حرف زد، نه اینکه صرفاً برایش برنامه تولید کرد. همین نگاه، مهم‌ترین سرمایه‌ای است که امروز می‌تواند به جشنواره تئاتر کودک و نوجوان منتقل شود.

در سال‌های اخیر، یکی از چالش‌های بسیاری از رویدادهای فرهنگی، فاصله گرفتن از بدنه حرفه‌ای هنر بوده است. جشنواره‌ها زمانی اعتبار پیدا می‌کنند که هنرمندان احساس کنند مدیران آنها زنان هنر‌امی فهمند و دغدغه‌هایشان را درک می‌کنند. اعتبار یک جشنواره، پیش از آنکه به بودجه، تعداد میهمانان خارجی یا مراسم افتتاحیه وابسته باشد، به اعتماد جامعه هنری وابسته است. این اعتماد با بخشنامه به دست نمی‌آید؛ حاصل اعتبار کسانی است که در رأس آن قرار می‌گیرند. برومند چنین اعتباری را دارد. او نه تنها سابقه مدیریت جشنواره نمایش عروسکی تهران- مبارک را در کارنامه خود ثبت کرده، بلکه همواره کوشیده‌های مدیریت و خلاقیت هنری را به‌طور برقرار کند. این تجربه، برای جشنواره‌ای که نیازمند بازتعریف جایگاه خود در میان تحولات فرهنگی و رسانه‌ای امروز است، یک امتیاز مهم محسوب می‌شود.

نکته مهم دیگر، بازگشت جشنواره به همان‌است؛ شهری که طی سال‌های مختلف، هویت خود را با این رویداد گره زده است. هر جشنواره‌ای برای ماندگاری، علاوه بر دیپلر توافمنند، به یک جغرافیای فرهنگی نیز نیاز دارد. همدان چنین ظرفیتی را دارد و حضور چهره‌ای مورد احترام جامعه هنری می‌تواند دوباره شور و اعتماد را به این رویداد بازگرداند؛ اعتمادی که لازمه مشارکت‌گسترده هنرمندان و ارتقای کیفیت جشنواره‌است. در شرایطی که جامعه بیش از هر زمان دیگری به امید، گفت‌وگو و بازسازی سرمایه اجتماعی نیاز دارد، هنر کودک را نباید حوزه‌ای کم‌اهمیت تلقی کرد. اتفاقاً سرمایه‌گذاری فرهنگی از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از آنکه امروز در سال‌های تازمان می‌نشیند و فردا مخاطب، هنرمند و شهروند این سرزمین خواهد بود. بنابراین انتخاب دبیر این جشنواره، انتخابی برای آینده است، نه فقط برای یک دوره برگزاری.

انتصاب مرضیه برومند را باید از همین منظر خواند. بلکه به هنرمندی که اعتبارش را نه از مسئولیت‌های اداری، بلکه از کیفیت آثار، شناخت مخاطب و احترام جامعه هنری به دست آورده است. اگر این انتخاب با حمایت عملی، استقلال حرفه‌ای و برنامه‌ریزی دقیق همراه شود، می‌تواند جشنواره تئاتر کودک و نوجوان را دوباره به جایگاهی برساند که سال‌ها نماد یوبایی، خلاقیت و امید در تئاتر ایران بود. یکی یک انتخاب درست، خود اولین موقعیت یک جشنواره است؛ و به نظر می‌رسد این بار، چنین اتفاقی رخ داده است.